



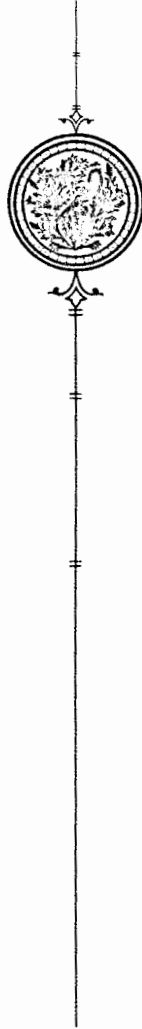
# لغت فرس

نسخه برگردان شش دستنویس

علی بن احمد اسدی طوسی

با مقدمه

علی اشرف صادقی، جواد بشری





- سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی
- اسدی، علی بن احمد، - ۴۶۵ ق.  
لغت فرس: نسخه برگردان شش دستنویس / [اسدی طوسی]؛ با مقدمه دکتر علی اشرف صادقی، دکتر جواد بشری.  
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.  
۸۷۷ ص.  
مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار؛ ۳۰۵. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۱۰.  
۴-۳۱-۶۶۲۲-۷۷۰۶-۹۷۸  
فیبا.  
فارسی -- واژه نامه ها -- متون قدیمی تا قرن ۱۴.  
Persian Language -- Dictionaries -- Early Works upto 20th Century  
نسخه های خطی فارسی.  
Persian Manuscripts  
بشری، جواد، ۱۳۶۳-، گردآورنده.  
PIR ۲۹۵۶  
۴فا۳  
۸۶۹۲۴۹۳

# لغت فرس

نسخه برگردان شش دستنویس



علی بن احمد اسدی طوسی

بامقدمه



دکتر علی اشرف صادقی، دکتر جواد بشری





مجموعه انتشارات  
ادبی و تاریخی  
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۱۰]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق  
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



## لغت فرس

نسخه برگردان شش دستنویس

علی بن احمد اسدی طوسی



با مقدمه	دکتر علی اشرف صادقی، دکتر جواد بشری
گرافیسیت، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگلر
صفحه‌آرایی دستنویس‌ها	نسترن عرب
حروفچینی و صفحه‌آرایی مقدمه	مریم ترکاشوند
لیتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	حقیقت
تیراژ	۱۱۰۰ نسخه
چاپ اول	۱۴۰۱

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتراز پارک وی، عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



## شورای تولید

### متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)  
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

### متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)  
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

### هیئت مدیره (منتخب شورای تولید)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - محمدرضا رضایزدی (خزانه‌دار)



### درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب‌الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار  
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار  
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح  
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی



## یادداشت واقف

### اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

### دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

### سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

### چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

## پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

## ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

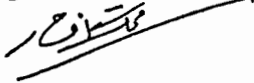
## هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

## هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاری زدی  
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



## تکمله سوم



کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیست واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

## تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان، کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکنند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

### چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کم‌تر از ارزش شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زیان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم. برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



با یاد  
پاول هرن و عباس اقبال





راهنمای دستنویس‌های چاپ‌شده  
در مجلد حاضر

- الف. (صص ۳-۴۲): دستنویس کتابخانه ملک، مورخ ۷۲۲ق.
- ب. (صص ۴۳-۱۸۵): دستنویس کتابخانه واتیکان، مورخ ۷۳۳ق.
- ج. (صص ۱۸۷-۳۶۴): دستنویس کتابخانه تبریز (نخجوانی سابق)، مورخ ۷۶۶ق.
- د. (صص ۳۶۵-۴۵۲): دستنویس کتابخانه فاتح، مورخ ۸۶۵ق.
- هـ. (صص ۴۵۳-۶۴۰): دستنویس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- و. (صص ۶۴۱-۷۷۲): دستنویس کتابخانه ملی (همایی سابق)، بی‌تاریخ.





## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	نوزده
مقدمه ۱ (جواد بشری).....	بیست و سه
مقدمه ۲ (علی اشرف صادقی).....	شصت و سه
نسخه برگردان شش دستنویس.....	۱
دستنویس الف.....	۳
دستنویس ب.....	۴۳
دستنویس ج.....	۱۸۷
دستنویس د.....	۳۶۵
دستنویس ه.....	۴۵۳
دستنویس و.....	۶۴۱



## پیشگفتار

کتاب حاضر، نتیجه چند سال کوشش نسبتاً مستمر برای عرضه تصویر چند دستنویس کهن از کتابی است که امروزه بیشتر به لغت فرس شناخته می‌شود و تحریرهای متعددی از آن وجود دارد. فکر اصلی تدوین این مجموعه از آنجا ایجاد شد که تصویر چند دستنویس معتبر و دیریاب از این کتاب دستیاب گردید و رفته‌رفته این احتمال تقویت شد که اگر این منابع تکثیر شود، برای پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی سودمند خواهد بود. برای نمونه تصویر دستنویس واتیکان، که ظاهراً در هیچ یک از کتابخانه‌های مهم ایران وجود نداشته و تنها میکروفیلمی فرسوده و غیرقابل استفاده از آن در کتابخانه استاد مینوی محفوظ است، سال‌ها قبل (ظاهراً در اواخر دهه هفتاد از قرن چهاردهم خورشیدی) توسط مسئولین مرکز احیاء میراث اسلامی در قم به صورت نسخه پرینت‌شده و کاغذی در آمده بود، و جای دیگری نظیری نداشت. دستنویس ملک‌الکلامی، که زمانی به تملک دکتر صادق کیا درآمده بود و چند سال اخیر در انتظار پیوستن به یکی از کتابخانه‌های مهم تهران به سر می‌برد، سرانجام به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تعلق گرفت و خوشبختانه اکنون به راحتی در دسترس است (در ماه‌های اخیر فایل این دستنویس و سایر دستنویس‌های کتابخانه مرکزی، در اقدامی ستودنی، در سایت کتابخانه دیجیتال دانشگاه تهران قرار گرفته است). دستنویسی از سده نهم باز در ترکیه شناسایی شد که به خط اسفزاری، صاحب روضات الجنّات و چند اثر دیگر است و عملاً کشف تازه‌ای در مطالعات مربوط به لغت فرس محسوب می‌شد.

پس از مشورت با دکتر علی اشرف صادقی، دستنویس‌های ملک، تبریز و همایی نیز به مجموعه افزوده شد. از نسخه ملک خوشبختانه تصویر مناسبی از کتابخانه دریافت گردید و مبنای کار قرار گرفت. فایل دستنویس تبریز (همان دستنویس حاج محمد نخبجوانی)، به لطف دانشمند فاضل، سرکار خانم اکرم‌السادات سیدآقایی دستیاب شد، و نقایصی هم که داشت به یاری دوست بسیار دان و عزیز، دکتر مهدی رحیم‌پور، مرتفع گردید؛ و وامدار نیکی همه این عزیزان هستم. از دستنویس همایی نیز، یک بار در خود کتابخانه ملی (محل کنونی نگهداری نسخه) اسکن تهیه شد، و یک بار هم خود با دوربین عکاسی، نقص برخی صفحات را برطرف کردم که همین‌جا از مسئول وقت تالار خطی آن کتابخانه، جناب صادق‌زاده وایقان تشکر می‌کنم.

پس از گفتگوهای فراوان (فی‌المثل برای حذف چند صفحه که متعلق به دستنویس منتخب لغت فرس محفوظ در گنجینه کوپریلی ترکیه بود و ابداً کیفیت مناسب چاپ نداشت و به‌ناچار در آخرین مراحل حذف شد) و رفت و برگشت‌های مکرر فایل، سرانجام بدنه اصلی کتاب شکل گرفت. از استاد دکتر صادقی بسیار متشکرم که تحریر تکمیلی و اصلاح‌شده مقاله «لغت فرس» را - که نکات پرتعداد و تازه‌ای نسبت به تحریر قبلی نوشته ایشان (نگاشته شده به‌عنوان مدخلی برای دانشنامه زبان و ادب فارسی فرهنگستان) دارد و از جمله در آن برای نخستین بار از دستنویس همایی یاد شده - به این کتاب خود اختصاص دادند (رک: مقدمه «۲» در ابتدای کتاب). سرکار خانم نسترن عرب، نزدیک به نیم دهه، مدام فایل‌ها را رفع نقص کردند، قطع آن‌ها را تغییر دادند، تنظیم نور و سایر موارد فنی را به درخواست من و ناشر چند بار از نو اعمال کردند و در نهایت کتابی فراهم شد که به صورتی (مثلاً چاپ چندرنگ) نباشد که علاقه‌مندان نتوانند آن را برای کتابخانه شخصی خود تهیه کنند. البته نقایصی ممکن است در مواضعی از صفحات وجود داشته باشد که یا مربوط به رطوبت‌دیدگی‌های اصل دستنویس‌هاست، و یا مثلاً درباره دستنویس واتیکان، به اصل تصویری بازمی‌گردد که از آن در ایران وجود دارد، و بی‌شک رفع این نقایص، مستلزم تهیه تصویر تمام‌رنگی آن‌ها از کتابخانه محل نگهداری اصل دستنویس است و اغلب این موارد فعلاً در شرایط کنونی میسر نیست. مقدمه شماره «۱» کتاب را نیز طی همین چند سال اخیر تهیه و تنظیم کردم که امیدوارم

درباره بخشی از تاریخچه دستنویس‌های شش‌گانه حاضر مفید افتد. در پایان از دوست دانشمند، دکتر محمد افشین‌وفایی قلباً تشکر می‌کنم که با چاپ این اثر در مجموعه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار موافقت فرمود، و از خداوند منان توفیقات روزافزون ایشان را خواستارم.

آبان ۱۴۰۰

جواد بشری



## مقدمه<sup>۱</sup>

### تاریخچه‌ای از شش دستنویس لغت فرس

جواد بشری<sup>۱</sup>

اصل کتاب مشهور به لغت فرس را علی بن احمد اسدی طوسی (د. ۴۶۵ق یا بعدتر)<sup>۲</sup> بنا نهاده که بعدها تحریرهای متعددی از آن به وجود آمد. یکی از این تحریرها که در دستنویس واتیکان ثبت شده ابتدا در ۱۸۹۷م به‌اهتمام پاول هرن (Paul Horn) در آلمان عرضه شد، و اینک شاهدیم که مطالعه پیرامون این اثر و سایر دستنویس‌های نسبتاً کمیاب آن، پس از گذشت حدود ۱۲۴ سال از زمان چاپ آلمان، پیشرفت‌های زیادی کرده است. اگر در نظر داشته باشیم که عباس اقبال با تمام کوششی که در شناسایی دستنویس‌های لغت فرس داشته، نتوانسته به اصل دستنویس‌های اصیل - که اکنون برخی از آن‌ها در این چاپ عرضه می‌شود - دست یابد و تنها به رونوشت‌هایی بعضاً تغییر یافته از چند دستنویس مراجعه کرده، ضرورت تصحیح مجدد و حتی چندباره تحریرهای این کتاب روشن می‌شود.<sup>۳</sup>

---

۱. استادیار دانشگاه تهران (j.bashary@ut.ac.ir)

۲. سال ۴۶۵ق در بیشتر منابع معاصر برای درگذشت اسدی پذیرفته شده (تتها برای نمونه، رک: «اسدی طوسی»، صص ۶۷۳-۶۷۴)، اما صادقی با بیان دلایلی معتقد است که اسدی شاید دست‌کم تا ده پانزده سالی پس از این تاریخ، یعنی تا ۴۷۵ق یا ۴۸۰ق، نیز زنده بوده است (رک: «لغت فرس»، صص ۵۷۱-۵۷۲).

۳. در حقیقت اقبال چاپ خود را که در آن برخی اشکالات فردی از جمله بدخوانی و سهو در نقل نیز راه یافته، با سنجش این دستنویس‌ها فراهم آورده است: دستنویسی که حسین موسوی فراهانی در دوم جمادی‌الاولی ۱۳۰۳ق مدعی است آن را از



دستویس‌های تاکنون به‌دست‌آمده از این کتاب در چند دسته کلی از تبارهای مختلف قابل تقسیم است و پژوهشگرانی که ارزش این دستویس‌ها را می‌دانند، به‌خوبی واقفند که چند دستویس قدیم از این اثر، در عین شهرت فراوان، همیشه دور از دسترس محققان قرار داشته و مراجعه به آن‌ها جز به‌واسطه چاپ‌های این کتاب امکان‌پذیر نبوده است. از آن جمله می‌توان به دستویس واتیکان اشاره کرد که در مطالعات واژه‌شناسی و شعرشناسی به آن اغلب به‌واسطه همان چاپ هرن و بعد از او چاپ دبیرسیاقی استناد شده و کمتر پژوهشگر متأخری این امکان را داشته که تصویر این دستویس ارزنده و کهن را مستقیماً بررسی نماید. همچنین است دستویس تبریز که حواشی برافزوده مهمی دارد و در آن حواشی، هم مدخل‌های فراوانی به فرهنگ‌های فارسی افزوده شده، و هم اشعار کهنی از متقدمین درج گردیده است. محتویات این دستویس، جز با مراجعه به چاپ اقبال قابل بررسی نبوده و ضرورت داشت که امکاناتی فراهم آید که بتوان به تصویر آن مراجعه کنیم.

---

→ روی دستویس سفینه تبریز کتابت کرده، ولی در واقع عین آن نیست و با دستویس‌ها و شاید منابع دیگری نیز مقایسه شده بوده و از این نظر که متنی القاطی بوده نمی‌توانسته دستویس اساس یک چاپ از کتاب قرار گیرد، هر چند اقبال از این مطلب بی‌اطلاع بوده که موسوی فراهانی در رونوشت‌برداری از سفینه تبریز امانت را رعایت نکرده است (دستویس مزبور به‌شماره ۱۲۱ج دانشکده ادبیات تهران، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و جزو نسخه‌های خطی مجموعه شخصی اقبال بوده که دهه‌ها قبل به دانشکده ادبیات تهران واگذار شده است)؛ چاپ هرن (و نه اصل دستویس واتیکان)؛ رونوشت سعید نفیسی از دستویس ملک‌الکلامی مورخ ۸۷۷ (دانشگاه تهران کنونی)؛ رونوشت عبرت نائینی از دستویس نخجوانی (مرکزی تبریز). در اینجا باید به نکته‌ای درباره دستری «حسین موسوی فراهانی» به سفینه تبریز پرداخت. در واقع پرسش اینجاست که آیا اساساً چنین امکانی برای فردی از اوایل سده چهاردهم هجری وجود داشته که دستویس کم‌نظیر و کهن سفینه تبریز را رؤیت کرده باشد؟ پاسخ البته مثبت است. زیرا به‌جز «حسین موسوی فراهانی» که لغت فرس از سفینه تبریز را کتابت کرده، یک فراهانی دیگر را هم می‌شناسیم که انتخاب ویس و رامین را ظاهراً به‌سال ۱۳۱۳ق، از روی سفینه تبریز کتابت کرده و درباره منبع خود می‌نویسد: «آنچه شعر [از اشعار مثنوی ویس و رامین] از کتابی کهنه [(منظور «سفینه تبریز»)]... بخط الحاج آبی‌المجد محمد بن آبی‌الفتح مسعود بن المظفر بن آبی‌المعالی محمد بن عبدالمجید التبریزی مولداً و المکی محتداً که در روز شنبه هفتم ربیع‌الأول سنه هفتصد و بیست و یک نوشته بود نقل شد». دستویس اخیر به‌شماره ۲۰۲-۵۶ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود و به استناد مطالب مندرج در سایت آن کتابخانه، در ۲۷ اسفند ۱۳۸۱ خریداری شده است. بنابراین کم بودن ردّ و نشان دستویس سفینه تبریز در میان استنساخ‌های موجود در کتابخانه‌ها، نمی‌تواند کتابت و استنساخ بخش لغت فرس از سفینه تبریز را بی‌اعتبار کند و آن را استنساخ و کتابتی با واسطه به شمار آورد. بلکه ظاهر مطلب آن است که حسین فراهانی احتمالاً اصل مجموعه سفینه تبریز را در اختیار داشته است.

کتابی با این وضعیت که ابتدا «اجزاء پراکنده» ای داشته و بعدها توسط شاگردان اسدی تدوین و تکمیل شده، به قدری حسّاس و حائز اهمیت است که هر دستنویس آن، چه کهن و چه متأخر، بایستی در مطالعات مربوط به این متن از نظر گذرانده شود. در سال‌های اخیر، بازیابی دستنویس «ملک‌الکلامی» هم که اصل آن برای دهه‌ها مفقود بود، از یکی از فهرست‌های جدید کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران میسر گردید که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. دسترسی به تصویر دستنویس‌های واتیکان، تبریز و ملک‌الکلامی، خود انگیزه کافی برای چاپ نسخه‌برگردان آن‌ها را ایجاد می‌کرد که با افزودن دو دستنویس دیگر، یعنی دستنویس کتابخانه فاتح و دستنویس پیشین همایی (اکنون کتابخانه ملی)، و فراهم آمدن تصویری از دستنویس ناقص و کهن کتابخانه ملک، طرح به کمال نزدیک شد و در مجموع شش دستنویس از دستنویس‌های لغت فرس برای چاپ عکسی سیاه و سفید آماده‌سازی شد. بی‌شک محققانی که قصد پرداختن به تصحیح یا بررسی دقیق تمام جزئیات این دستنویس‌ها را داشته باشند، عنداللزوم به تصاویر رنگی یا حتی اصل نسخه‌ها مراجعه خواهند کرد. اما تجمیع این دستنویس‌های مهم در کنار هم برای نخستین بار، آن هم درباره کتابی که از منابع اصلی پژوهش درباره واژگان و شعر کهن فارسی است، وجود چنین چاپی را ضرورت می‌بخشید. البته مسأله قابل‌تعمیه بودن آن برای همه محققان علاقه‌مند به پژوهش درباره لغت فرس، باعث شد اندکی از کمال مطلق - که همانا چاپ رنگی و بسیار نفیس نسخه‌ها باشد - کاسته شود و با تصرفات عمدی در تصاویر کتاب، چاپی با زمینه خاکستری و تنظیمات مشابه یکدیگر تقدیم گردد. امید است که این گام، در توسعه مطالعات دقیق‌تر واژه‌شناسی و شعرشناسی فارسی مفید افتد و پس از این چاپ‌هایی انتقادی و تحلیلی از تبارهای مختلف این کتاب توسط پژوهشگران صاحب صلاحیت عرضه شود. آنچه در مقدمه حاضر آمده، بیشتر ناظر به تاریخچه‌ای از دستنویس‌های شش‌گانه است.

### الف: دستنویس کتابخانه ملک

مجموعه‌ای قدیم و کم‌حجم، در بردارنده ۶۱ برگ، به شماره ۵۸۳۹ در کتابخانه ملک در تهران موجود است که تاریخ کتابت کهن (سلخ ذی‌حجه ۷۲۲ق) و محتویات نادر آن از دیرباز مدّ

نظر پژوهشگران، به‌ویژه فرهنگ‌پژوهان زبان فارسی، بوده است.<sup>۱</sup> این مجموعه، در قطع ۱۴/۲ × ۱۸/۷ سانتیمتر، که در صورت کنونی خود آسیب‌دیده و تنها اوراقی از یک مجموعه پربزرگ‌تر را در خود حفظ کرده، مشتمل بر این قسمت‌هاست:

- بخشی از الإبانه، از ابوالفضل احمد بن محمد میدانی نیشابوری (۵۱۸ق)، که در واقع شرحی مختصر بر کتاب دیگر خود او، السامی فی الأسامی است. این بخش که ناقص الاول است، در برگ‌های الف- ۴ الف قرار دارد و در انتهای آن به همان خط اصل و کهن آمده است: «تمت مشکلات کتاب<sup>۲</sup> البلغة من نسخة سقیمة بخط مولانا خاتم [بدون نقطه حرف سوم] الطالحین [کذا؛ ظ: الصالحین]<sup>۳</sup> جمال‌الدین بزد الله مضجعه» (۴ الف). جالب است که این بخش که الإبانه است، در خود نسخه «مشکلات البلغة» نام گرفته و این به هیچ وجه صحیح نیست. صادقی که این قسمت را از روی همین دستنویس تصحیح و منتشر نموده، این مطلب را به اثبات رسانده است.<sup>۴</sup>

۱. دکتر صادق کیا، لغت فرس در این مجموعه را طی مقاله‌ای معرفی کرده («کهنه‌ترین دستنویس لغت فرس»، صص ۹-۱) و تصحیحی نیز از آن مهیا نموده که هیچ‌گاه به چاپ نرسید. او خود در انتهای مقاله‌اش، به تاریخ فروردین ۱۳۳۵، در این باره نوشته است: «نویسنده امیدوار است که بزودی همه برگ‌ها و خواننده این متن را با فهرست الفبائی واژه‌ها و نام‌های شاعران آن با پیشگفتاری پرداخته‌تر و گشاده‌تر نشر دهد» (همان، ص ۵). دبیرسیاقی اشاره کرده که تصحیحی که صادق کیا از روی این دستنویس تهیه نموده، در آستانه انتشار قرار دارد (لغت فرس، دبیرسیاقی، ص چهار، سه سطر مانده به پایان صفحه). اما این چاپ هیچ‌گاه انتشار عمومی نیافت و تنها نسخه‌های محدودی از آن وجود دارد. بعدها در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، جلد ۹، چاپ ۱۳۷۱ (رک: منابع)، بخش‌های متعدد این مجموعه توصیف شد و در نهایت نیز صادقی در تصحیح خلاصه لغت فرس (دستنویس مجموعه‌ای محفوظ در کورپلی، شماره ۱۵۸۹) به دستنویس ملک توجه نشان داد و چند واژه را هم از قسمت دوم آن مجموعه به چاپ رسانید.

۲. «کتاب» از خوانش فهرست ملک و صادقی از این رقم افتاده است.

۳. قرانت فهرست ملک و صادقی: الطافی.

۴. ترجمه فارسی الإبانه، شرح السامی فی الاسامی میدانی، صص ۳-۴. برخی دستنویس‌های دیگر الإبانه عبارت است از: الف. دستنویس شماره ۳۱۲ کتابخانه ملک، بخش سوم مجموعه، که بخش اول و دوم آن مورخ ۶۴۹ق و ۶۵۰ق است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۱۶)؛ ب. دستنویس کتابخانه واتیکان، مورخ ۶۸۰ق (میکروفیلم شماره ۱۸ کتابخانه مینوی، و عکسی شماره ۱۲۱۹ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی که از روی همان میکروفیلم تهیه شده است، رک: فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۶۶؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۴، ص ۴۴)؛ ج. دستنویس کهن کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۳۳۸، بخش دوم مجموعه، که آن را دبیرسیاقی در انتهای فهرست الفبائی لغات و ترکیبات فارسی السامی فی الاسامی به صورت عکسی چاپ کرده است (درباره این که این چاپ از روی دستنویس دانشگاه

- «مفردات طبّی»، به فارسی، برگ‌های ۴ب تا ۱۱ب، که صادقی چند واژه از آن را نشر داده است.<sup>۱</sup>

- «المختصر فی علم الکحّالین»، رساله‌ای کوتاه در چشم‌پزشکی دارای دوازده باب، در برگ‌های ۱۲ب-۲۲ب، که رقم کاتب مجموعه در انتهای این بخش قرار دارد و تصویر آن جداگانه نیز خواهد آمد: «تمّ المختصر فی علم الکحّالین فی سلخ شهر الله ذی الحجّة حجة ۷۲۲ من نسخة فی غایة السقام والإعتلال، رزقنا الله نسخة صحیحة حتّی نصحّح منها هذه النسخة» (۲۲ب)<sup>۲</sup>. آغاز رساله فارسی حاضر نیز به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم- سپاس ایزد را کی آفریدگار جهانست و دروژ بر بیغامبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه، و بر یاران وی. چنین گوید خداوند این کتاب کی عزیزت مردم مطبوع است برانک خداوند نعمت خویش را شکر گزارند و این را اندر تازی مثل گفته‌اند: شکرُ المنعم واجب فی فطر العقول، و چون نعمتهای خداوند ادام الله نعمته نزدیک من بنده بسیار شد بر خویشتن واجب دیدم آن را به شکر مقابله کردن تا از جمله آن باشم کی ایزد سبحانه و تعالی گفته است: لئن شکرتم لأزیدنکم؛ و شکر نه همه آن بود کی به زبان ثنای نیکو بگویی بل که چون به رویی از رویها کی توانی خدمتی گزاری آن بزرگ‌ترین نوعی بود از شکر. و من بنده را چون صناعت علم طب بود خواستم کی خدمت نوروز را برسم اقامت کنم به طاعت و حسب طاقت نمایم، و چون خداوند ولی النعم را حاجت بود بدانک به هر وقتی مشاورت کند با کحّالان بسبب خللی که اندر چشم بُود بنده خواست کی این خدمه اندرین معنی بود تا وی را ادام الله ایّامه

→ صورت گرفته، نه مجموعه شماره ۳۱۲ کتابخانه ملک، رک: ترجمه فارسی الإبانة، شرح السامی فی الاسامی میدانی، (ص ۴)؛ د. دستویس کتابخانه دانشگاه لیدن، شماره ۸۰۲ وارنر، بخش سوم مجموعه «کتابخانه دانشگاه لیدن»، (ص ۲۴۶)؛ ه. دستویس کتابخانه دانشگاه لس آنجلس، شماره M34، متعلق به مجموعه کارو میناسیان، سده یازدهم هجری، بخشی از یک مجموعه (رک: «چند اطلاع تازه در حوزه فرهنگ‌نویسی»، صص ۱۲۷-۱۲۹).

۱. ترجمه فارسی الإبانة، شرح السامی فی الاسامی میدانی، صص ۲۳-۲۴.

۲. برای تصویر آن، رک: چاپ عکسی حاضر، ص ۵.

۳. چنین است املائی اصل دستویس در این موضع.

تذکره‌ی<sup>۱</sup> بوذ اندرین باب تا به کسانیش حاجت نیاید کی نه اهل معرفت باشند و تا هر کسی را امتحان نباید کردن و بدانند کی هر کسی اندر معرفت به چه جایگاه‌اند...» (۱۲ب).

-بخشی از جامع العلوم ستینی یا حدائق الأنوار فخر رازی، برگ‌های ۲۳ تا ۴۳ب، مشتمل بر بخش‌های مربوط به علوم ادبی و جز آن.

-و در نهایت بخشی از لغت فرس که در برگ‌های ۴۴الف تا ۶۱ب قرار دارد.<sup>۲</sup>

چنانکه گذشت، نخستین بار صادق کیا درباره‌ی این دستنویس - که در چاپ اقبال سخنی از آن نیست - مقاله‌ای به سال ۱۳۳۵ منتشر کرده و از آن سخن گفته است.<sup>۳</sup> به زعم او، «در برگ‌های بازمانده این واژه‌نامه نام آن و نام نویسنده‌اش دیده نمی‌شود، ولی از همانندی بسیاری با لغت فرس اسدی طوسی به نظر می‌رسد که دستنویسی از آن باشد، اگر چه با همه دستنویس‌هایی که تاکنون از لغت فرس دیده و شناخته شده است فرق‌هایی بزرگ و بسیار دارد»<sup>۴</sup>. بعدها دبیرسیاقی و سپس مجتبائی - صادقی نیز در مقدمه چاپ‌های خود از لغت فرس، از این دستنویس یاد کرده‌اند<sup>۵</sup> و صادقی مجدداً در مقاله (مدخل) مستقل خود درباره «لغت فرس» به آن اشاره کرده و آن را با دستنویس خلاصه لغت فرس کتابخانه کوپریلی در یک گروه قرار داده و اعلام کرده است که این گروه، به گروه دیگری که شامل دستنویس‌های پنجاب و فاتح است، بسیار نزدیک است.<sup>۶</sup>

این دستنویس دست‌کم از دهم خرداد ۱۳۳۱ در کتابخانه ملک بوده است، زیرا مهر مستطیل شکل رسمی این کتابخانه مشتمل بر تاریخ مزبور در ابتدای صفحه نخست درج شده و بخشی از سرگذشت دستنویس را آشکار می‌کند.

۱. در این باره، نیز رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۹، صص ۶۳-۶۶.

۲. «کهنه‌ترین دستنویس لغت فرس»، صص ۱-۹.

۳. همان، ص ۲.

۵. «لغت فرس»، ص ۵۸۸.

۴. لغت فرس، دبیرسیاقی، ص چهار؛ لغت فرس، مجتبائی - صادقی، ص ۱۲.

## ب: دستنویس واتیکان

نام پاول هُرن (Paul Horn) در کنار کارل زالمان (Karl Zaleman)<sup>۱</sup> و برخی دیگر، به عنوان پژوهشگرانی که چند فرهنگ‌نامه فارسی دری را در اواخر قرن ۱۹م معرفی یا منتشر کردند، ماندگار خواهد بود.

هُرن دستنویس کتابخانه واتیکان در رُم به شماره Vat.Persiano.XXII یا همان Vat.Pers.22 را که دومین دستنویس چاپ حاضر و تا به اکنون سومین<sup>۲</sup> دستنویس تاریخ‌دار کهن از کتاب لغت فرس به حساب می‌آید، مبنای تصحیح خود قرار داده و برای تهیه رونوشتی از آن و نیز به منظور بررسی برخی واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های قدیم فارسی، با تحمّل سختی‌هایی، به چند کتابخانه اروپایی مراجعه کرده است. وی درباره تهیه رونوشت از دستنویس واتیکان به دست خود، جایی نوشته که یک بار با مراجعه به رم در ۱۸۹۴م از دستنویس واتیکان رونوشت برداشته و یک بار نیز در ۱۸۹۵م به مقابله و تطبیق رونوشت خود با نسخه اصل پرداخته است.<sup>۳</sup> همچنین درباره انگیزه خود از مطالعه درباره کتاب اسدی، ضمن اشاره به پیشگام بودن دولاگارد، نوشته است: «به‌قراری که دولاگارد (de Lagarde) در رساله خود موسوم به تبّعات فارسی... ص ۴۰ بیان داشته، قصد داشته است از نسخه لغت

۱. زالمان، بخش واژگان از کتاب اینک مشهور معیار جمالی، اثر شمس فخری اصفهانی ژا به سال ۱۸۸۷م در قازان منتشر کرد. او همچنین جلد اول لغت شاهنامه عبدالقادر بغدادی را در ۱۸۹۵م به طبع رسانید که بعدها از روی آن مجدداً تصحیح و منتشر شد. وی نخستین اروپایی است که گزارشی مستند از لغت فرس، به‌واسطه کتاب‌های فرهنگ وفایی و لغت حلیمی، عرضه کرد (رک: لغت فرس، دبیرسیاقی، صص سیزده، چهارده، بیست و دو، بیست و هشت؛ «زالمان، کارل هرمانوویچ»، ص ۴۹۰).
۲. کهن‌ترین دستنویس لغت فرس - که از نظر تاریخ کتابت، قبل از دستنویس ناقص کتابخانه ملک قرار می‌گیرد- دستنویسی است که توسط محمد بن مسعود بن مظفر تبریزی در ۲۱ جمادی‌الآخر ۷۲۱ق کتابت شده و که اکنون به‌واسطه شهرت مجموعه سفینه تبریز دیگر نیازمند معرفی بیشتر نخواهد بود (درباره این دستنویس از لغت فرس، رک: «لغت فرس اسدی در سفینه تبریز»، صص ۱۶۵-۱۹۴). درباره شناخته‌شده بودن دستنویس سفینه تبریز برای فضلالی عهد ناصری، مطلبی کوتاه در پانویس اول از این مقدمه نگاشته شد.
۳. لغت فرس، دبیرسیاقی، ص شانزده. او در همان سال ۱۸۹۴م گزارشی اجمالی از این دستنویس را به دهمین کنگره جهانی مستشرقین که در ژنو تشکیل شد تقدیم کرد (همان، ص نوزده).

فرس موجود در کتابخانه واتیکان رونوشتی بردارد ولی مع الاسف مرگ به او امان نداد. طی مطالعات انتقادی که در متن شاهنامه برای بازیافتن صورت اصلی بعضی اشعار آن کتاب انجام می‌دادم<sup>۲</sup> توجه این جانب به فرهنگ‌های موجود فارسی معطوف گردید و انتظار داشتم در آثار اسدی... از این حیث بهره‌ها بگیرم، هر چند این انتظار تا آن اندازه که امیدوار بودم برآورده نشد اما در عوض دریافتم که لغت فرس اسدی به خصوص به علت اشعاری که در آن از شعرای قدیم زبان فارسی علاوه بر فردوسی به شاهد آمده گرانبهارترین فرهنگ فارسیست»<sup>۳</sup>. هرن خود به نقص تصحیح بر اساس یک دستنویس نه‌چندان کامل وقوف داشته و در این باره نوشته است: «بدون مقایسه و تطبیق با دیگر فرهنگ‌ها طبع و نشر لغت فرس از روی یگانه نسخه خطی موجود در رُم، به طوری که لااقل تا حدی رضایت‌بخش باشد، به خوبی ممکن نبود»<sup>۴</sup>.

طبق گزارش رُسی (Rossi)، این دستنویس، ظاهراً در اوایل قرن ۱۷م توسط برادران نامدار، جوان باتیستا وِکتی (Giovan Battista Vecchiotti) و جِرولامو باتیستا وِکتی (Gerolamo Battista Vecchiotti)، از طریق هر مز، به ایتالیا انتقال یافته<sup>۵</sup> و تا مدت‌ها کهن‌ترین دستنویس کتاب لغت فرس شناخته می‌شده است. دستنویس ۷۱ برگی<sup>۶</sup> واتیکان، شمسه‌ای، شاید «به رسم خزانه» ای، در صفحه عنوان دارد که در اصل دستنویس مخدوش شده و چیزی از آن خواننده

۱. درباره او، نیز رک: همان، ص ۷۶ و یک.

۲. به تصریح خود هرن، هدف او از بررسی دقیق شاهنامه و برخی دیگر از متون کهن فارسی نیز، تهیه یک فرهنگ فارسی به آلمانی بوده است (رک: همان، صص ۷۶-۷۷ و یک).

۳. لغت فرس، دبیرسیاقی، صص ۷۶-۷۷، نوزده.

۴. همان، ص ۷۶ و شش.

5. *Elenco dei manoscritti persiani della Biblioteca Vaticana*, pp. 49- 51 ("Italy- viii. Persian Manuscripts", p. 274).

نیز می‌دانیم که یکی دیگر از نتایج سفرهای این دو برادر به مصر، ایران و هند، انتقال دستنویس مشهور شاهنامه فلورانس مورخ ۱۴۶۱ ق به ایتالیا بوده که در مطالعات ایران‌شناسی از نهایت شهرت برخوردار است.

۶. هر چند با احتساب اوراق اضافی ابتدا و انتهای دستنویس، هرن این دستنویس را ۷۳ برگی دانسته است (لغت فرس، دبیرسیاقی، ص ۷۶).

نمی‌شود (برگ ۱ الف، ص ۴۵ چاپ عکسی حاضر)<sup>۱</sup>. بالای این شمشه، یکی از مالکان نسخه، شاید در سده نهم هجری، یک بیت عربی مشهور و نام خود را چنین ثبت کرده است: «ستبقی خطوطی فی دفاتر برهة و أنملتی تحت التراب رمیم- حرره الفقیر المستکین المسکین عبیدالله بن محمود گرگین/ کرکین». یادداشت «امانت مولانا عبیدالله حفظه الله» هم که قدیم است، در همین صفحه مشهود و قابل اشاره است. در صفحه نخست متن، یعنی برگ ۱ ب، در ابتدا با کتیبه‌ای آراسته مواجهیم که عنوان «کتاب لغة فرس» به خط قدیم در آن نگاشته شده است (ص ۴۶ چاپ عکسی). و چنین است رقم کاتب دستنویس در انتهای آن: «تمام شد کتاب لغت فرس در روز پنجشنبه نهم ماه محرم سنه ثلث و ثلثین و سبعمانه هجری، و کتبه العبد الضعیف المحتاج إلى رحمة الله تعالى عبدالرحمن بن الحسن بن عبدالرحمن<sup>۲</sup> بن أحمد بن الظهیر» (برگ ۷۰ الف، ص ۱۸۳ چاپ عکسی).

تا مدت‌ها تنها تصویری که از این دستنویس در ایران وجود داشته، میکروفیلمی بوده که استاد مجتبی مینوی برای خود تهیه کرده، و آن میکروفیلم اکنون در کتابخانه موقوفه او به شماره ۱۸ نگهداری می‌شود<sup>۳</sup>. اما بی‌تردید اگر این میکروفیلم توسط استاد سید احمد حسینی اشکوری در مرکز احیاء میراث اسلامی روی کاغذ ظاهر نشده بود، بیم آن می‌رفت که مانند بسیاری میکروفیلم‌های کتابخانه مینوی قابل استفاده نباشد. نسخه کاغذی این تصویر، که پس از ویرایش فنی مبنای چاپ عکسی حاضر قرار گرفت، به شماره ۱۲۴۵ عکسی در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم محفوظ است<sup>۴</sup> و با همه نقایص بصری، همان است که پس از برخی اصلاحات گرافیکی، برای مجموعه کنونی در نظر گرفته شده است. تصویر این دستنویس برای نخستین بار است که به این شکل منتشر می‌شود و پیش از این ظاهراً همیشه

۱. هرن که دستنویس را از نزدیک دیده نیز مشابه همین مطلب را نوشته است: «عنوان اصلی کتاب و تذهیب گرد آن به‌استثنای دو کلمه "هذا کتاب" در ورق اول امروز به‌کلی محو گردیده است» (لغت فرس، دبیرسیاقی، ص بیست).

۲. هرن اوایل این نام را «عبدالرحمن ابن احمد عبدالرحمن» خوانده است (کتاب لغت فرس، هرن، ۱۸۹۷ م، 6-7؛ لغت فرس، دبیرسیاقی، ص نوزده).

۳. فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۶۵.

۴. فهرستواره نسخه‌های خطی و عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ص ۳۷۰.



به واسطه چاپ هرن یا دبیرسیاقی، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، به محتویات آن ارجاع می شده است.

مرحوم دکتر دبیرسیاقی در چاپی از لغت فرس که آن را انتشارات طهوری به چاپ رسانید، ضمن اشاره به ضرورت عرضه تصحیح‌های جداگانه از تحریرهای گوناگون کتاب اسدی، درباره چاپ خود که بر اساس چاپ هرن (و البته نه تصویر آن، که او در آن زمان بدان دسترسی نداشته) تنظیم شده، نوشته است: «روش من در تصحیح و طبع این کتاب آن بوده است که متن چاپی پاول هرن را اساس کار خویش قرار دهم و حتی‌المقدور از آن نگاهم و بر آن نیفزایم مگر آنجا که تصحیف و تحریف یا غلط‌خوانی خلل فاحش به ارکان جمله یا شعر رسانده باشد، و در این گونه موارد تصحیح و تغییر یا به پیروی از تصحیحات متقن علامه مرحوم دهخداست که عیناً و با ذکر نام در ذیل صفحات موارد آن را یادآور شده‌ایم و یا به سبب استفاده از نسخه چاپ مرحوم اقبال است که متذکر آن نیز همه جا گردیده‌ایم و یا تصحیح‌حاتیست از خود که نام تصحیح قیاسی بدان داده‌ایم، و در جمیع این موارد یعنی موارد عدول از چاپ هرن و متن قرار دادن ضبط اصح، ضبط نسخه چاپ هرن را با علامت "چ" به دقت در حاشیه قید کرده‌ایم و این دقت ضبط تا آنجاست که اگر منقولات "چ" از حاشیه به متن برده شود عین نسخه چاپ هرن بی‌کم و کاست به دست می‌آید»<sup>۱</sup>. از فواید این چاپ که شاید امروز کمتر در نظر آید، فراگیر کردن چاپ هرن است. زیرا چاپ هرن در ایران بسیار نایاب بوده و فضلالی قدیم‌تر گاه برای استفاده از آن متوسل به استنساخ می شده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. لغت فرس، دبیرسیاقی، صص هشت-نه.

۲. برای نمونه، دستنویس شماره ۱۳۱۱ در کتابخانه مسجد اعظم، دستنویسی از لغت فرس است که عیناً از روی چاپ هرن استنساخ شده است. این دستنویس که پیش‌تر در گنجینه خطی عظیم حاج محمد رمضان (۱۲۸۳-۱۳۴۶)، صاحب «کلاله خاور»، قرار داشته و پس از او به کتابخانه مسجد اعظم انتقال یافته، ارزشی بیش از یک رونوشت معمولی از چاپ هرن ندارد و تنها دارای اهمیت تاریخی است. دستنویس مزبور روی کاغذ جدید خطدار شطرنجی کتابت شده و ۲۵۸ صفحه دارد.

دبیرسیناقی برای چاپ خود، نمایه اعلام تاریخی، جغرافیایی و کتب تهیه کرده و مقدمه هرن را نیز با برگردان پارسی دکتر منوچهر امیرمکری در ابتدای کتاب قرار داده است.<sup>۱</sup>

### ج: دستنویس حاج محمد نخجوانی (کتابخانه مرکزی تبریز کنونی)

دستنویس تبریز از مهم‌ترین دستنویس‌های کتاب است که علاوه بر ارزش‌های معمول یک دستنویس قدیم لغت فرس، که مدخل‌ها، تعریف‌ها یا شواهدی را بیش‌تر یا متفاوت از سایر دستنویس‌ها در خود حفظ کرده، در حواشی نیز شمار زیادی مدخل اضافه همراه با شواهد شعری کهن دارد که بیشتر آن‌ها در هیچ یک از نسخه‌های موجود به این شکل نیامده است. شواهدی هم که در قسمت حواشی آمده، «غیر از شعرای سامانی و غزنوی، ابیاتی از [خود] اسدی و شعرای بعد از او، مانند عمیق و سنایی و مسعود سعد، و شعرای گمنامی مانند ضمیری، حقوردی، چاکر علی چیره، عماد عزیزی، بومنصور، حقیقی، بلجوهر، کشفی، پروین، بارانی و غیره»<sup>۲</sup> است. خط بخش حواشی نیز، غالباً به همان خط قدیم اصل دستنویس، یعنی متعلق به سال ۷۶۶ ق است، و البته تدوین آن احتمالاً پیش از آن تاریخ صورت گرفته است.

۱. لغت فرس، دبیرسیناقی، صص سیزده- هفتاد و یک. دستنویس دیگری که با دستنویس واتیکان هم‌تبار است، دستنویسی بی‌تاریخ ولی ظاهراً سده دهم یا یازدهمی، محفوظ در کتابخانه دیوان هند (این‌دین آفیس) در لندن (بعدها انتقال یافته به کتابخانه بریتانیا در همان شهر) به شماره ردیف ۲۴۵۵ در فهرست (شماره ثبت ۲۵۱۶) است که «بحل مشکلات لغت فرس» عنوان گرفته و در ترتیب واژگان دقیقاً مانند دستنویس واتیکان، و تنها اندکی خلاصه‌تر از آن است. اته به سال ۱۹۰۳م اختلاف‌های این دستنویس را - که در اختیار هرن نبوده - به تفصیل ثبت کرده است ( *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the Indian Office, vol. 1, pp. 1321- 1335*). دستنویس مزبور، ۹۶ برگ دارد و به خط نستعلیق خوانا کتابت شده و دو صفحه نخست آن زینت یافته است. تمامی واژگان در آن به زر کتابت شده و قطع دستنویس نیز ۷/۵ × ۴/۶ اینچ است.

۲. «لغت فرس»، ص ۵۸۷. همچنین روشن است که پدیدآور فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، و نیز اوبه‌یی در تحفه الاحباب، به دستنویسی مشابه، تأکید می‌شود، مشابه حواشی نسخه تبریز دسترسی داشته‌اند (همان، ص ۵۸۹). در واقع نسخه‌ای که مورد استفاده صاحب فرهنگ سپهسالار قرار گرفته، عین نسخه‌ای نبوده که در حواشی دستنویس تبریز دیده می‌شود، زیرا تفاوت‌هایی بین برخی شواهد مشترک این دو منبع به چشم می‌خورد (رک: فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، صص ۱۲- ۱۳ از مقدمه مصحح). این احتمال داده شده که از حواشی دستنویس تبریز، نسخه‌ای اندکی متفاوت در اختیار سروری، صاحب مجمع الفرس نیز قرار داشته است («لغت فرس»، ص ۵۹۰).

این دستنویس بخشی از یک مجموعه است که پیش تر در کتابخانه حاج محمد نخجوانی (۱۲۹۷ق-۱۳۴۱ش)، تاجر فاضل و دانشمند تبریزی، قرار داشته<sup>۱</sup> و بعدها به کتابخانه ملی تبریز منتقل شده است. شماره دستنویس در کتابخانه تبریز ۳۶۳۹ (بخش دوم مجموعه) است<sup>۲</sup> و تاریخ اتمام کتابت و مشخصات کاتب آن، به شرحی است که در رقم انتهای دستنویس دیده می شود: «فرغ من تحریره يومَ الثلاثاء، العاشر من شهر جمادى الآخر لسنة ستّ وستين و سبعمانه، العبدُ الضعیفُ المحتاجُ إلى رحمة ربّه اللطیف، سبطُ حسامِ الدین حافظ، الملقَّب بنظام تعریفاً»<sup>۳</sup>. این اثر در صفحه عنوان نسخه و به خط اصلی کاتب، «مشکلات پارسی دری» نام گرفته که در نوع خود حائز اهمیت است.

یکی از وجوه اهمیت این دستنویس، ارتباط آن با دستگاه حکمرانی آل آیدین است. بر اساس مطالب نوشته شده در دایرة صفحه عنوان، این نسخه به رسم مطالعه امیر فخرالدین عیسی بک فرزند محمد بن آیدین بن محمد (حک ۷۴۹-۷۹۳ق)، کتابت شده است. عین مطالب ثبت شده در این دایره چنین است: «برسم مطالعه الأمير الكبير الملك العادل الباذل سمح الیدین باسط الکفین مرّی العلماء و الفقراء فخر الدینا و الدین چلبی عیسی بک ابن محمد بن آیدین ابد الله دولته و خلد ملکه». در فضای در نظر گرفته شده در اطراف دایره، به همان خط این ابیات دیده می شود: «ای چراغ آفتاب از شمع رویت منزوی | در نسیم لطف تو بیذا خواص عیسوی || تا بوسد آستانت منحنی شد آسمان | ورنه روز آفرینش داشت قدی مستوی» بیت درج شده در پایین دایره نیز به احتمال بسیار زیاد به همان خط باشد: «نام تُست آنک بقا یابذ بی آب حیات | صیت تُست آنک جهان گیرذ بی خیل و حشم»<sup>۴</sup>.

ظاهراً در مطالعات منتشر شده به زبان فارسی، نخستین بار عباس اقبال در توصیف خود پیرامون همین دستنویس بود که این عیسی بک از آل آیدین را به این صورت معرفی کرد: «اما

۱. «فهرست کتابخانه های شهرستانها»، ص ۳۱۰.

۲. فهرست کتابخانه ملی تبریز، ج ۳، صص ۱۱۷۰-۱۱۷۱. بخش نخست این مجموعه ارزنده، یکی از آثار حبیب تقلیسی، در ۱۰۳ برگ به همان خط و مشخصات نسخه شناسی است (برای آگاهی از آن، رک: همان، ج ۳، صص ۱۰۷۶-۱۰۷۷).

۳. رک: ص ۳۶۰ چاپ عکسی حاضر. ۴. رک: ص ۱۸۹ چاپ عکسی حاضر.

این فخرالدین عیسی بن محمد بن آیدین یکی از امرای جزء آناتولی است که مابین ۷۴۸ و ۷۹۲ در قسمت لیدیا از آن ولایت امارت می‌کرده و در این تاریخ اخیر مغلوب سلطان بایزیدخان اول سلطان عثمانی شده و قلمرو حکومتی او به ممالک آل عثمان منضم گردیده است. این سلسله به‌توسط آیدین جد فخرالدین عیسی<sup>۱</sup> در حدود سال ۷۰۰ق، پس از انقراض سلاجقه روم در لیدیا تأسیس یافته بود [پانویس‌های نوشته اقبال: رجوع کنید به کتاب اخبار الدول قرمانی در حاشیه ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۲ و کتاب طبقات سلاطین اسلام تألیف استانله لین‌پول، ص ۱۸۴ از متن انگلیسی و جدول مقابل آن صفحه]<sup>۲</sup>. اقبال مشابه این متن را در ابتدای دستنویسی که از روی دستنویس نخجوانی برداشته شده بود نیز با مداد نوشته است<sup>۳</sup>. این فخرالدین عیسی‌بک در دربار خود از تکثیر آثار فارسی و نیز نگارش و سرایش به این زبان حمایت می‌کرده و یکی از اسناد مؤید این مطلب، وجود همین دستنویس نخجوانی خواهد بود. در عهد این خاندان ظاهراً تذکره الاولیاء از فارسی به ترکی برگردانده شده است<sup>۴</sup>.

۱. در نوشته اقبال: «فخرالدین عثمان»، که سهواً است و اصلاح شد.

۲. لغت فرس، اقبال، ص ۱۰۶.

۳. لغت فرس، دستنویس ۵۵۶۹ مجلس، پشت برگ بدرقه آغازین. دربارهٔ بیک‌نشین‌های آیدین به‌طور عام، رک: سلسله‌های اسلامی جدید، صص ۴۲۴-۴۲۵؛ دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلامی، صص ۴۲۶-۴۲۸. شاید یکی از بهترین مطالبی که پیرامون این خاندان به زبان فارسی نگاشته شده، مدخل مربوط به آن‌ها در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی باشد (رک: «آیدین اوغولری»، صص ۲۶۵-۲۶۸) که اغلب به آن استاد می‌گردد. اما به زبان‌های دیگر، به‌ویژه ترکی استانبولی، پژوهش‌های مهمی دربارهٔ خاندان مزبور انجام شده که ماحصل آن در مدخل مربوط به این خاندان در دائرةالمعارف اسلام ترکیه آمده که آن را اردوغان مرچل، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول نوشته است (رک: “Aydinoğulları”, pp. 239-241). همچنین یکی از آخرین پژوهش‌ها دربارهٔ این خاندان کتابی است به این مشخصات:

*Aydinoğulları Tarihi Üzerine Yazılar*, Kemal Ramazan Haykıran, Kriter Yayınları, İstanbul, 2019, xi, 110p.

در بخشی از این کتاب، پیرامون اقدامات فرهنگی این خاندان نیز سخن به میان آمده و از حمایت‌هایی که از آثار ترجمه‌ای به زبان ترکی داشته‌اند، یاد شده است. اما لازم است دربارهٔ وضعیت زبان فارسی به‌عنوان زبان ادبی و نیز یک زبان میانجی در این منطقه بسیار غربی در قلمرو آناتولی، بر اساس مدارکی که در اینجا عرضه خواهد شد، نگارش‌های تکمیلی برای استفاده محققان ترکیه به زبان ترکی صورت گیرد. از خانم دکتر جیلان ملامحمدواغلو، استاد زبان فارسی در ترکیه، بسیار سپاسگزارم که اطلاعات مربوط به این کتاب را مرحمتاً ارسال فرمود.

4. “Aydinoğulları”, p. 241.

برخی دیگر از آثار فارسی که در دورترین نقطه آناتولی برای خزانه او کتابت و یا برای استفاده در دستگاه وی تهیه شده، چنین است:

- یوسف بن محمد بن ابراهیم نوری، ترجمه فارسی کتاب کشف الأسرار علی لسان الطیور و الأزهار یا کشف الأسرار عن حکم الطیور و الأزهار (نگاشته عزالدین عبدالسلام بن احمد بن غانم بن علی مقدسی، واعظ مشهور درگذشته در ۶۷۸ق<sup>۱</sup>) را به امر همین فخرالدین عیسی بن محمد بن آیدین فراهم کرده است. احمد آتش به دستنویس ۱۳۶۰ ولی الدین افندی مورخ ۹۲۳ق از این ترجمه مراجعه و آن را معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

- اثری به فارسی، دستکم دارای دو دستنویس معتبر و اصیل، در ترجمه فارسی «الرسالة الحاتمية» (به عربی از ابوعلی حاتمی) در دست است که آن را سیف الدین نوری به نظم فارسی در آورده است. دستنویس نخست این اثر، مورخ ۸۶۲ق، که از روی آن به چاپ رسیده و در الذریعة نیز از آن سخن رفته، پیش تر متعلق به احمد افشار شیرازی بوده و اکنون به شماره ۱۷۰۶ در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز نگهداری می شود.<sup>۳</sup> دستنویس دیگر نیز که در تصحیح بعدی اثر می تواند لحاظ شود، به شماره ۴۰۱۴ در کتابخانه ایاصوفیا (بخش اول از یک مجموعه) محفوظ است و تاریخ اتمام کتابت آن ۸۵۰ق است.<sup>۴</sup> یکی بودن سراینده این اثر با مترجم کشف الأسرار علی لسان الطیور و الأزهار محتمل است.

→ درباره برخی دیگر از ترجمه های ترکی تذکرة عطار، رک: تذکرة الاولیاء، ج ۱، صص پنجاه- پنجاه و دو؛ معجم التاریخ التراث الإسلامی فی مکبات العالم، ص ۵۹: ترجمه احمد داعی کرمانی، از نیمه نخست سده نهم هجری؛ ص ۳۹۸: ترجمه سنن پاشا (د. ۸۹۱ق)؛ ص ۲۴۶۲: شامل چند ترجمه ترکی ناشناس که قدیم ترین دستنویس آن ها، تاریخ ۹۶۵ق دارد.

۱. درباره او، رک: کتاب الوافی بالوفیات، ج ۱۸، صص ۴۱۴-۴۱۶؛ الإعلام بوفیات الأعلام، ج ۲، صص ۴۶۰-۴۶۱، و منابع مذکور در پانویس مصحح؛ قلادة النحر فی وفیات اعیان الدهر، ج ۵، صص ۳۶۶، و منابع متعدد مذکور در پانویس مصحح؛ کتاب المقفی الکبیر، ج ۷، ص ۲۲ (درباره «ابن عنبری» واعظ، شاگرد او)؛ منطق الطیر، صص ۱۳۵-۱۳۷، مقدمه مصحح.

۲. آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم هجری قمری، صص ۴۶، ۵۹-۶۰. نیز رک: نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، صص ۱۴۵-۱۴۶.

۳. استاد برکت در تصحیح خود از این ترجمه منظوم فارسی از روی همین دستنویس، به دانسته های تاریخی پیرامون آل آیدین نیز اشاره کرده است (رک: «ترجمه منظوم الرسالة الحاتمية»، صص ۲۲۵-۲۳۱).

۴. فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، صص ۵۱۰-۵۱۱.

- دستنویس کهن و معتبری از یواقیت العلوم به شماره ۴۳۵۲ در کتابخانه ایاصوفیا نگهداری می‌شود که کتابت آن در شعبان ۷۷۱ق به دست عمر به اشرف به اتمام رسیده است.<sup>۱</sup> آنچه در توصیف دقیق مرحوم دانش پژوه از این دستنویس - که دستنویس اساس چاپ او نیز بوده - حائز اهمیت است آن است که این دستنویس برای «فخرالدوله و الدین امیر عیسی» کتابت شده<sup>۲</sup>، و او باید همان امیر آیدینی موردگفتگو باشد.

- احمد آتش در معرفی اثری بسیار کوتاه با عنوان «رساله جلالیه» به فارسی، در قالب پرسش و پاسخ و در موضوع عربیت، طبیعیات، الهیات، فرائض، عروض و طب، حدس‌هایی را مطرح کرده که یکی از آن‌ها که از ذهن او دور مانده این است که این رساله به همین فخرالدین عیسی‌بک تقدیم شده باشد. چنین است توصیف او: «طبق گفته مؤلف [ناشناس]...، [او] وقتی خواست به حج رود با الامیر الکبیر... امیر الامرا چلبی مظفرالدین موسی‌بیگ برخورد کرد و برای امیر اثری نوشت و خواست اسم خود را مانند اسم امیر جاویدان نگاه دارد پس این رساله را به همین قصد نگاشت و آن را جلالیه نامید. تعیین هویت چلبی موسی‌بیگ که در اینجا ذکر او آمد مشکل است، چه اگر وی موسی‌بیگ فرزند محمّدبیگ از فرمان اوغلائی باشد لقب وی برهان‌الدین است نه مظفرالدین. غیر از آن یک موسی‌بیگ دیگر از آیدین اوغللری هست که پس از استیلای تیمور قسمتی از متصرفات پدرش را بازپس گرفت ولی بعد از مدّت کوتاهی وفات کرد (۸۰۵ هجری) لیکن نمی‌دانیم که او را چلبی می‌گفتند یا نه. بالاخره موسی‌چلبی پسر یلدریم‌بایزید از عثمانیان می‌باشد که در زمان فترت حکمرانی خود را اعلام نمود و بین سال‌های ۸۱۳-۸۱۶ق حکمرانی کرد. اما این صفات امیر کبیر و امیر الامرا با موسی‌چلبی مناسبتی ندارد»<sup>۳</sup>. اما خود آتش درباره سال نگارش اثر نوشته است: «از روی نوشته‌ای که در ورق ۲۴۴ب همین [دستنویس از این اثر، یعنی دستنویس شماره ۶۷۰ راغب‌پاشا که مورد مراجعه او بوده] در دست است چنین

۱. همان، صص ۵۷۵-۵۷۶.

۲. یواقیت العلوم و دراری النجوم، ص بیج. این مطلب باید به بخش نسخه‌شناسی از فهرست ایاصوفیا افزوده شود.

۳. همان، صص ۶۷-۶۸.

بر می‌آید که این نسخه به سال ۷۷۰ ق هجری در دست محمد قاضی‌الدین بوده است<sup>۱</sup>. به‌غیر از تاریخ ۷۷۰ ق که با دوران حکمرانی عیسی‌بک همخوانی دارد و نیز به‌جز انطباق لقب او (فخرالدین) با فردی که این اثر به او پیشکش شده، کاتب، که شاید پدیدآور اثر نیز باشد و یا فردی باشد که رقم اصل را رونویس کرده، در بخش رقم دستنویس، به این صورت به «ولایة آیدین» تصریح کرده است: «...بعون الله المّان... یوم الخمیس وقت الضحی السّادس من ذی الحجّة المبارک من شهر سنه سبعین و سبعمانه... حرّز هذه الأسطر العبد محمّد الشهیر (؟) بالحکومة و القضاء فی ولایة آیدین»<sup>۲</sup>. آنچه اکنون می‌توان به فرضیات آتش افزود آن است که فخرالدین عیسی‌بک (خطای کاتب در کتابت «موسی» به جای «عیسی») نیز می‌تواند در فهرست افرادی قرار گیرد که رساله جلالیه می‌توانسته به آن‌ها تقدیم شده باشد<sup>۳</sup>.

۱. همان، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. در همایش «مطالعات ادبی در شبه‌قاره و آسیای صغیر»، اسفند ۱۳۹۷، سخنرانی‌ای چاپ‌نشده به این موضوع اختصاص یافته است: «ترجمه، تألیف و نسخه‌برداری در دربار آیدین در آناتولی - ارحام مرادی» (رک: چکیده مقالات همایش بین‌المللی مطالعات ادبی در شبه‌قاره و آسیای صغیر). لازم به ذکر است که در فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، نکته‌ای در این موضوع هست که لازم است اصلاح شود. در حقیقت دستنویس شماره ۲۸۴۱ که دستنویسی کهن از مرصاد العباد، مورخ آخر محرم ۷۵۰ ق است، جهت مطالعه امیری با لقب کلی «صاحب السیف و القلم» و مستأ به «امیر عیسی‌بک بن مرحوم السعید زکریایک» کتابت شده (فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، صص ۸۸-۸۹) و نباید آن را از دستنویس‌های به رسم خزانه یا جهت مطالعه امیر عیسی‌بک بن محمد بن آیدین دانست (نیز دیده شود تذکر درست مرحوم دانش‌پژوه در این باره، دن: یوایتت العلوم و دراری النجوم، ص یج). همچنین باید اشاره کرد که بدایع السحر المشتمل علی صنایع الشعر که دستنویسی از آن در کتابخانه موزه مولانا در قونیه به شماره ۲۵۲۴ (میکروفیلم شماره ۳۲۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) مورخ ۸۳۵ ق نگهداری می‌شود و به‌احتمال اثری از «احمدی» («احمدی گرمیانی» درگذشته ۸۱۵ ق) دانسته شده که او آن را برای «عیسی‌بک» تهیه کرده (فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱، صص ۴۵۲-۴۵۳)، نباید برای دستگاه عیسی‌بک از آل آیدین فراهم آمده باشد. زیرا در بررسی نسخه عکسی آن در دانشگاه تهران (عکس شماره ۳۷۹۲، از روی میکروفیلم ۳۲۰)، مشخص شد که بدایع السحر که در این مجموعه قرار دارد و مشخصاً به «صاحب اعظم» «عیسی» (با این شعر در وصفش: «بگوی عیسی و دیگر مگوی کز نفست! رسد به مرده صدساله باز مزده جان») تقدیم شده (برگ ۱-۷۴)، شاید بی‌ارتباط با پدیدآور فرهنگ مختصر عربی به فارسی مرآة الأدب نباشد که در ادامه مجموعه مزبور (برگ ۷۵ به بعد) قرار دارد و در آنجا از وزیر یاد شده که لقب و نام «مجد الدولة و المّلة عیسی‌بک» دارد و «الصاحب المخدم» خوانده شده است. اگر این حدس صحیح باشد و این هر دو اثر از یک نفر و مرتبط با دستگاه یک مخدم باشد، وزیر (به‌سبب کاربرد واژه «الصاحب») «عیسی‌نام» که «مجدالدین» لقب داشته باشد، هیچ ارتباطی با «امیر» «فخرالدین» نخواهد داشت (درباره «احمدی»، پدیدآور این آثار، رک: پارسی‌نویسان آسیای صغیر، ص ۲۰؛ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی،

نکته مهم دیگر درباره کاتب دستنویس لغت فرس نخجوانی (مرکزی تبریز)، کتابت چند شعر به خط او در انتهای دستنویس کهن دیوان ضیاءالدین خجندی محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی) تهران است. البته ظاهراً در هیچ یک از مآخذ کتابشناسی تاکنون به این ارتباط اشاره نشده و شاید یکی از دلایل آن این باشد که تاریخ این دستنویس به زعم آتابای، ۶۶۶ ق ثبت شده و این کاملاً اشتباه است. برای آگاهی از تاریخ کتابت دستنویس مزبور و نیز مطالب افزوده «سبط حسام‌الدین حافظ»، همان کاتب لغت فرس، در انتهای دستنویس دیوان ضیاء خجندی، ابتدا وصف روشن و درستی که مهدی بیانی پیرامون تاریخ‌گذاری این دستنویس عرضه کرده نقل می‌شود: «خط نستعلیق قدیم متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر: "قرن ۷-۸"، ... به دنبال دیوان دو قصیده و یک قطعه تمام و یک قطعه ناتمام به خط کاتب دیوان از ضیاء افزوده شده و نسخه ناتمام مانده است و چون مقداری بیاض در آخر نسخه بجای مانده محتمل است کتاب به خط مصنف باشد مخصوصاً که بعضی عنوان‌ها این احتمال را تأیید می‌کند مانند "جواب فرستاده شد" و "جواب بسمرقند فرستاده شد". در سه صفحه آخر کتاب و پشت صفحه اول یک رباعی از شاعر نامعلوم و یک غزل و قصیده از سیف‌الدین اسپرنگی و یک قطعه از حسینی و یک قصیده از حاجی جلال لارندی "به خط دیگری جز خط کاتب متن دیوان" نوشته شده است و این قصیده آخر چنین رقم و تاریخ دارد: "کتابه حسن بن یوسف سبط مرحوم حسام‌الدین حافظ الملقب بنظام، فی عشرين رجب سنه ست و ستین و سبعمانه"»<sup>۱</sup>.

→ ص ۲۱۵). دستنویس دیگری از همین بدایع السحر که مورخ ۸۱۱ ق و از دستنویس قزیه کهن تر است، به شماره ۱۷۳ ف در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود (فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی، ج ۱، صص ۱۷۷-۱۷۸).

۱. فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی، صص ۱۱۰-۱۱۱. برای پرهیز از ایجاد سردرگمی، اطلاعات نادرست بدری آتابای، فهرستگار دیگر نسخه کاخ گلستان، درباره دستنویس دیوان ضیاء و صفحات انتهای آن، از متن به پانویس انتقال یافت. این توصیف او، شاید یکی از دلایل مخفی ماندن ارتباط دستنویس نخجوانی (تبریز) و بخش انتهایی دیوان ضیاء خجندی باشد. باری، وی در توصیف دستنویس دیوان ضیاء نوشته است: «اسم کاتب و تاریخ: حسن بن یوسف سبط مرحوم حاج آقا حافظ الملقب بنظام بتاريخ ۶۶۶ هجری قمری، ... این دیوان با ذکر رباعی ذیل: "چون ششصد و سی گذشت و یک هفت دگرا از مدت سال هجرت پیغمبر|| ما راز عطاء حق همین سال اندرا از عالمه دختر آمد از حور پسر" خاتمه یافته و سپس سه قصیده دیگر از شاعر مزبور [ضحیاء خجندی]... نوشته شده که قصیده آخر ناتمام است. بعد از سه صفحه بیاض، دو قصیده دیگر در مورد "مولانا سیف‌الدین اسپرنگی" [ر] "حاجی جلال لارندی" کتابت شده است که دارای رقم و تاریخ است: "کتابه حسن بن



باید مجدداً تأکید کرد که آنچه منظور نظر است، تنها بخش برافزوده دستنویس دیوان ضیاء خجندی دستنویس کاخ گلستان است، نه خود متن دیوان، زیرا دیوان ضیاء به خط نسخ ماوراءالنهری کاملاً متفاوتی از خط نسخ اصولی ای است که بخش برافزوده همین دستنویس و نیز دستنویس لغت فرس تبریز با آن کتابت شده است. در واقع سبط حسام‌الدین حافظ، تنها بخشی از انتهای دستنویس دیوان ضیاء را در سده هشتم هجری به این دستنویس افزوده، و فقط همین بخش به خط اوست. از سوی دیگر، تاریخ کتابت همین اوراق نیز، ۷۶۶ق است، نه ۶۶۶ق که آتابای معتقد به آن تاریخ بوده است.<sup>۱</sup> ظاهراً دستنویس دیوان ضیاء در سده هشتم هجری به جایی دیگر، احتمالاً آناتولی برده شده و در آنجا به دست کاتب دستنویس لغت فرس کتابخانه تبریز افتاده و او در آنجا اشعاری از سیف سپرنگی / اسفرننگی و جلال لارندی<sup>۲</sup> را در انتهای آن کتابت کرده و رقم خود را نیز در اوراق پایانی دستنویس درج کرده است.<sup>۳</sup> برای تکمیل بحث، تصویر صفحه پایانی دیوان ضیاء از فهرست آتابای در اینجا

→ یوسف سبط مرحوم حسام‌الدین حافظ الملقب بنظام فی عشرين رجب سنه ست وستین و ستمانه. به نظر می‌رسد که کاتب متن با کاتب دو قصیده ناتمام آخر کتاب که تاریخ و رقم دارد یک نفر نیست و به طوری که از عناوین اشعار دیوان حدس زده می‌شود شاید خود شاعر کاتب نسخه حاضر باشد... آتابای، در نقل «پایان» دستنویس باز تاریخ اشعار برافزوده را ۶۶۶ق ثبت کرده است و در این باره هیچ تردیدی نداشته است (فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یکشنبه ج ۲، صص ۷۳۰-۷۳۲). علاوه بر اینکه او در ابتدای توصیف خود «حسام‌الدین» را «حاج‌آقا» (!) ثبت کرده، بزرگ‌ترین خطایش همین اشتباه در قرائت تاریخ رقم «حسن بن یوسف سبط حسام‌الدین حافظ» است که باعث آشفتنگی در مطالبی می‌شود که مراجعه‌کننده از توصیف او برداشت می‌کند.

۱. فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یکشنبه ج ۲، صص ۷۳۰-۷۳۲. در این باره، نیز رکن: «شعری از حاجی جلال لارندی، شاعر ناشناخته سده هشتم»، صص ۱۷-۱۸؛ «شمس‌الدین خاله و شهاب‌الدین خاله»، صص ۲۹-۳۰ (اطلاعات بی‌نقص فهرست بیانی در این باره - که پیش از این نقل شد - می‌تواند به منابع این دو مقاله افزوده شود).

۲. درباره دوران حیات این جلال لارندی و شعری که سروده، رکن: «شعری از حاجی جلال لارندی، شاعر ناشناخته سده هشتم»، صص ۱۷-۲۰.

۳. دستنویس دیوان ضیاء خجندی، بی‌شک در ادوار متأخرتر نیز در قلمر عثمانی بوده است، زیرا یادداشت تملک مجموعه‌دار فاضل و شهیر، ابوبکر بن رستم شروانی [خوانش نادرست بیانی و آتابای: «شیروانی»] را بر روی خود دارد (درباره کتابخانه شخصی او، لازم است چندین تحقیق پرلجاع صورت گیرد تا بتوان در نهایت سیاهه‌های از نسخه‌های مجموعه او را - که اغلب نفیس یا کهن است و اکنون در سراسر جهان پراکنده شده - تهیه کرد. چند دستنویس بسیار مهم از مجموعه او در این منبع معرفی شده است: «مجموعه یحیی بن سعیدالدین مویخ ۷۴۴ق»، صص ۴-۷. همچنین جعفری طبری، تعداد بسیار بیشتری از دستنویس‌های دارای تملک او را معرفی کرده است: «فهرستواره کتابخانه شخصی ابوبکر بن رستم شروانی»، صص ۲۳۵-۲۶۱. اکنون نگارنده مشخّصات دهها دستنویس دیگر را جز آنچه در این منابع آمده در یادداشت‌های شخصی خود ثبت کرده که نشان‌دهنده عظمت و نفاست کتابخانه ابوبکر بن رستم اوست.

باز چاپ می شود.



یکی دیگر از فواید کشف ارتباط بین دو دستنویس دیوان ضیاء کاخ گلستان و لغت فرس تبریز آن است که از روی دستنویس کاخ گلستان، صورت کامل نام کاتب دستنویس لغت

فرس تبریز روشن می‌شود. چنان‌که پیش‌تر گذشت، نام کاتب دستنویس لغت فرس نخجوانی، در بخش رقم پایانی دستنویس «سبط حسام‌الدین حافظ الملقب بنظام تعریفاً» ثبت شده، و خوشبختانه اکنون از روی صفحات پایانی افزوده‌شده به‌خط او در انتهای دستنویس دیوان ضیاء خجندی، می‌دانیم که نام او «حسن بن یوسف» بوده است.

اما آیا راهی برای آگاهی از نسبت این کاتب و این‌که در کدام اقلیم فعالیت داشته وجود دارد؟ در این باره، پیش‌تر تنها به حدس و گمان ضعیف می‌توانستیم به این پرسش پاسخ دهیم و بگویم از آنجا که او شعری از یک سراینده لارندی را کتابت کرده و نیز کتابی را برای امیری از بیگ‌نشین آیدین تهیه نموده، لابد به آناطولی انتساب داشته است؟ اما اکنون دوباره می‌توان از منبع بررسی‌نشده دیگری کمک گرفت و به‌واسطه آن، تنها با افزایش میزان احتمال و البته نه به‌شکل قطعی، از محل انتساب این کاتب فاضل آگاهی یافت. این منبع، دستنویسی از مقدمه‌الادب زمخشری است که به سال ۷۹۵ ق ظاهرأ به‌دست عموی «حسن بن یوسف» کتابت شده و اکنون به‌شماره ۳۰۵۶ در کتابخانه ملک در تهران نگهداری می‌شود. کاتب دستنویس کتاب زمخشری «ناصرالدین یونس بن حسام‌الدین حافظ لارندی» نام دارد و در انتهای دستنویس خود چنین رقم زده است: «تمّ تصرّف الأفعال و هو القسم الخامس من مقدمه‌الادب للشيخ الكامل الإمام الهمام أفضل المتأخرين أبي القاسم العلامة الزمخشرى الخوارزمي برّد الله مضجعه و أسكنه بحبوة جنانه على يدى ناصرالدین یونس بن حسام‌الدین الحافظ اللارندی عفا الله عنهما القوی و لجميع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات آمین یا رب العالمین لسنة خمس و تسعين و سبعمانه ۷۹۵ هجرية فى ساعة الفجرية» (رک: تصویر رقم دستنویس).



متأسفانه در خواندن این رقم، خطایی در فهرست کتابخانه روی داده و نام کاتب «یوسف» ثبت شده<sup>۱</sup> که صحیح نیست. این سهور را با مراجعه به تصویر دستنویس می‌توان برطرف کرد. زمان کتابت البته درست و دقیق و واضح است و تردیدی در آن نیست. پرسشی که هست این که آیا در جهان اسلام «حسام‌الدین حافظ» دیگری وجود نداشته که ما در اینجا احتمال پیوند خویشی این کاتب را با «حسن بن یوسف»، کاتب دستنویس لغت فرس و بخش برافزوده دیوان ضیاء مطرح کرده‌ایم؟ پاسخ روشن است. قطعیتی در این باره وجود ندارد و آنچه هست به قید احتمال مطرح‌شدنی است. اما آنچه استوارکننده و مقوم این احتمال است، نسبت «لارندی» است. کاتبی (کاتب شماره ۱) برخاسته از «لارنده» در آناتولی، که پدرش «حسام‌الدین» لقب داشته و به «حافظ» بودن خود شهره بوده، بسیار محتمل است که عموی

۱. فهرست کاپهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱، ص ۷۲۵.

کاتب دیگری (کاتب شماره ۲) باشد که پدر بزرگ او نیز ملقب به «حسام‌الدین» بوده و «حافظ» خوانده می‌شده و از قضا این کاتب اخیر، شعری از یک «لارندی» دیگر را در جایی کتابت کرده است. مشکل تنها بر سر زمان فعالیت این دو نفر است. زیرا کاتب شماره ۱ که عمومی کاتب شماره ۲ است، نسخه‌ای را در ۷۹۵ق کتابت کرده است، اما کاتب شماره ۲، که برادرزاده کاتب شماره ۱ است، در ۷۶۶ق دو اثر کتابتی از خود بر جای گذاشته است. با اندک تأملی، در این باره نیز مشکل را جدی نخواهیم یافت. زیرا این دو تن می‌توانسته‌اند از منظر رجالی هم طبقه باشند (عمو و برادرزاده‌ای با زمان تولد نزدیک به هم و از یک طبقه نسلی) و زمانی که جوان‌تر یا کم‌سن و سال‌تر بوده‌اند، کاتب شماره ۲ - که برادرزاده باشد - در سال ۷۶۶ق به کتابت پرداخته است. زمانی هم که وارد میان‌سالی یا سنین بالاتر شده‌اند، کاتب شماره ۲ - که عمو باشد - نسخه‌ای را کتابت کرده که مورد بحث این سطور است. راه‌های دیگری نیز ممکن است به ذهن متبادر شود که به هر حال بسیار نزدیک به همین حدس اخیر خواهد بود. باری، اگر احتمال مطرح‌شده در سطور اخیر را بپذیریم، کاتب دستنویس لغت فرس «لارندی» خواهد بود.

#### د: دستنویس کتابخانه فاتح، شماره ۵۱۹۳

در کتابخانه فاتح در شهر استانبول دستنویسی مجموعه‌ای به شماره ۵۱۹۳ مورخ ۸۶۵ق نگهداری می‌شود که بخش دوم آن لغت فرس است.<sup>۱</sup> یکی از وجوه اهمیت این دستنویس آن است که تمام آن به خط معین بن محمد زمجی اسفزاری، مورخ، ادیب و منشی بزرگ عهد تیموری (زنده تا اوایل سده دهم هجری)<sup>۲</sup> است و از این منظر نیز مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۳</sup> بخش نخست این دستنویس ارزشمند (گ-۱-۲۹)، اثری نادر و گرانبه نام کنز

۱. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، صص ۴۲۳-۴۲۴.

۲. درباره زمجی اسفزاری، صاحب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات که به چاپ رسیده، و نیز منشآت که آن نیز اخیراً منتشر شده، و آثار دیگری چون گلشن اقبال و ده مجلس رک: مقدمه جهادی حسینی بر: منشآت اسفزاری، صص هفده- صد و ده: «اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی»، صص ۷۰۳-۷۰۵، و سایر منابعی که ایمانی در منبع پانویس بعدی در ابتدای نوشته خود معرفی کرده است.

۳. رک: «خطوط نویافته از معین‌الدین اسفزاری»، صص ۴۳-۵۲.

الزواهر فی معرفة الجواهر، از آثار سده هفتم هجری پدیدآمده توسط شمس خطاط بلخی است که تاکنون تنها دو دستنویس از آن یافت شده<sup>۱</sup> و یکی همین دستنویس فاتح است<sup>۲</sup>. اسفزاری در انتهای این بخش چنین رقم زده است: «تمت هذه الرسالة الشريفة الميمونة المباركة الموسوم بكنز الزواهر في معرفة الجواهر في يوم الأحد إثني عشر شهر رمضان عمّت بركاته لِسنة خمس و ستين و ثمانماية... (؟) العبد معين ابن محمّد الزمجي عفى الله عنه و عافاه و بلغه متمناه... (؟) حمايته اوامه م»<sup>۳</sup>.

و اما بخش دوم، یعنی لغت فرس، از برگ ۳۲ آغاز می‌شود و تا ۷۱ ادامه دارد. این بخش

۱. دستنویس کهن‌تر، متعلق به مجموعه علی امیری در ترکیه به شماره ۹۵۱ است که در تاریخ ۱۰ رمضان ۷۸۱ ق کتابت شده است (رک: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۳، صص ۲۴۰-۲۴۱؛ فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه، ص ۱۸۱). در تصحیح اثر از این دستنویس استفاده شده است (کنز الزواهر فی معرفة الجواهر، صص ۲۶-۲۷، که البته یادکرد محل نگهداری دستنویس، از قلم افتاده است). در حقیقت بخش نخست کنز الزواهر، ترجمه احجاز ارسطاطالیس است. لازم به ذکر است که برگردان دیگری از این اثر ارسطو در دست است که دستنویسی از آن که در خیرپور، در کتابخانه سچل سرمست به شماره ۲/۱-۷۳۶ (ن ام) نگهداری می‌شود، چنین توصیف شده: «در دیباچه نسخه ما مترجم فارسی می‌گوید که ارسطاطالیس رساله‌ای در شناخت جواهر نوشته بود که اول به عربی و سپس به فارسی ترجمه شد، اما ترجمه فارسی چندان زیبایی نداشت، و مترجم ترجمه‌ای دیگر فارسی که مستقیماً از یونانی به فارسی به عمل آمده بود به دست آورد و بر آن تجدید نظر کرد و عبارات مکرر را حذف کرد و به خدیجه الوقت بلقیس زمان مادر شاهزاده الغیبگ پیشکش نمود... چون مترجم از الغیبگ به عنوان شاهزاده یاد کرده است قرینه‌ایست که کتاب در اوایل سده نهم هجری فراهم آمده است» (فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۲، صص ۱۰۲۴-۱۰۲۵). از همین ترجمه دوم خوشبختانه یک دستنویس دیگر در کتابخانه خانقاه احمدی شیراز به شماره ۳۳۲/۱، کتابت در سده یازدهم هجری، موجود است که ۲۲ برگ دارد و از ابتدا تا باب ۱۹ از مقاله اول را داراست (فهرست کتب خطی کتابخانه خانقاه احمدی شیراز، ص ۲۳۵. برای تحریرهای فارسی دیگر از احجاز ارسطو، فی‌المثل رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی در انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، ج ۱، ص ۹۰، دستنویس شماره A375).

۲. رک: فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۴۲۳. ایمانی مطالب اصلی را درباره این اثر بیان کرده و اطلاعات ارزنده‌ای از آن استخراج نموده است («خطوط نویافته از معین‌الدین اسفزاری»، صص ۴۴-۴۶). این اثر اخیراً بر اساس هر دو دستنویس موجود از آن تصحیح شده و به چاپ رسیده است (کنز الزواهر فی معرفة الجواهر، صص ۲۶-۳۲).

۳. رک: ص ۲۷۱ از چاپ عکسی حاضر. تاریخ ثبت‌شده در این رقم، در برخی از منابع پیشین اشتهاً ۸۷۵ ق قرائت شده که صحیح نیست و بایستی اصلاح شود (رک: «خطوط نویافته از معین‌الدین اسفزاری»، ص ۴۶؛ فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، صص ۴۲۳-۴۲۴). خوشبختانه مصحح کنز الزواهر این عدد را درست خوانده و «سبعین» را به جای «ستین» نشانده است (کنز الزواهر فی معرفة الجواهر، ص ۲۷).

در برگ عنوان به خط متأخری «لغت پهلوی» نام گرفته<sup>۱</sup> و در یادداشتی ظاهراً مربوط به عهد سلطان محمود اول - که پس از این درباره آن سخن گفته خواهد شد - «رسالة فی اللغة الفهلویة» نامیده شده است. زمجی اسفزاری در انتهای این دستنویس از لغت فرس - که با دستنویس پنجاب، و تاحدودی با دستنویس های ملک و کوپریلی هم تبار است<sup>۲</sup> - چنین رقم زده: «تمت هذه اللغة بعون الله و هو واهب المواهب و العطیات فی أواسط شهر المعظم شهبان عمّت میامنه لِسنة خمس و ستین و ثمانمایة الهلالیة الهجریة النبویة علیه أفضل الصلوات و التحیات م»<sup>۳</sup>.

دستنویس ارزنده حاضر از نسخه های ملکی سلطان بایزید دوم عثمانی (حک: ۸۸۶-۹۱۸ق) بوده و یادداشت تملکی ظاهراً به خط یکی از منشیان دستگاه او در صفحه عنوان دستنویس مشهود است: «کتاب خواص جواهر و صحاح فرس، صاحبه السلطان بایزید بن محمدخان خلد ملکه»<sup>۴</sup>. باید در نظر داشت که مهر درج شده در گوشه پایین سمت چپ همین صفحه نیز متعلق به بایزید دوم است که مهر مشهوری است و روی بسیاری از دستنویس های دیگر در مجموعه های ترکیه دیده می شود. سجع این مهر چنین است: «بایزید بن محمدخان المظفر دائماً»<sup>۵</sup>. همچنین یادداشت وقف سلطان محمود اول (حک: ۱۱۴۳-۱۱۶۸ق) و مهر او با سجع «الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا أن هدینا الله، وقف محمودخان بن مصطفی شاه المظفر دائماً»<sup>۶</sup>، و نیز مهر و یادداشت وقف به قلم

۱. همین عنوان، الهام بخش فهرست فاتح شده و در آنجا «لغت پهلوی» نام گرفته است (فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۴۲۳).

۲. «خطوط نویافته از معین الدین اسفزاری»، ص ۴۷؛ «لغت فرس»، ص ۵۸۸.

۳. رک: ص ۴۵۲ از چاپ عکسی حاضر.

۴. رک: ص ۳۶۹ از چاپ عکسی حاضر.

۵. برای نمونه دیگری از تصویر این مهر، رک: اختتام الأوقاف فی المخطوطات، صص ۳۵-۳۷. برای نشانی مهر بایزید بر روی برخی دستنویس های نفیس فارسی دیگر، نمونه وار رک: فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۵۸۱، شامل ارجاع به ۹۶ دستنویس؛ فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه حالت افندی استانبول، ص ۴۰۸، شامل ارجاع به پنج دستنویس؛ فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه حکیم اغلو، ص ۲۵۵، مشتمل بر ارجاع به دو دستنویس. به نظر می رسد مهری از سلطان سلیمان قانونی (حک: ۹۲۷-۹۷۴ق) روی دستنویس شماره ۵۱۹۳ فاتح نباشد و باید اطلاع فهرست فاتح را در این باره اصلاح کرد که گفته است مهر او در نسخه دیده می شود (فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۴۲۳).

۶. برای نمونه تصویر دیگری از مهر حاضر، رک: اختتام الأوقاف فی المخطوطات، ص ۶۱. این مهر در صفحه رو از برگ پیش از عنوان دستنویس مورد گفتگوی فاتح نیز به شکل کم رنگی درج شده است (رک: ص ۳۶۷ از چاپ عکسی حاضر).

مصطفی مفتش اوقاف حریمین - که مَهر و عبارات وقفی او بر روی نسخه‌های سلطنتی ترکیه فراوان است<sup>۱</sup> - در برگ مزبور مشاهده می‌شود.<sup>۲</sup> می‌دانیم که در عهد همین سلطان محمود اول عثمانی است که چهار کتابخانه مسجد ایاصوفیا، کتابخانه مسجد فاتح، کتابخانه جامع سلیمانیه و کتابخانه‌ای در گالاتاسرای تأسیس می‌شود و مجموعه‌های ارزنده این کتابخانه‌ها ساماندهی می‌گردد.<sup>۳</sup>

### ه: دستنویس کتابخانه دانشگاه تهران (ملک‌الکلامی سابق)

نخستین بار اقبال در توصیف رونوشتی از دستنویس لغت فرس مورخ ۸۷۷ق که سعید نفیسی آن را دیده و از آن رونوشت تهیه کرده بود، نوشت: «نسخه "س" [رمزی که برای آن در چاپ خود اقبال در نظر گرفته شده] متعلق است به دوست فاضل کریم و رفیق صمیم نگارنده آقای سعید نفیسی که آن را به خط خود نوشته و با سعه صدر تمام چند سالست که به اختیار من گذاشته است. اصل این نسخه مطابق شرحی که ایشان در ابتدای نسخه خود یادداشت کرده‌اند اکنون در تصرف آقای حاجی عبدالحمید ملک‌الکلامی اردلانی از هنرمندان بافضل عصر ماست که آن را از پدر بزرگوار خود مرحوم حاج عبدالمجید ملک‌الکلامی متخلص به مجدی از شعرای قادر اخیر (متوفی به سال ۱۳۰۵ شمسی) به ارث برده‌اند».<sup>۴</sup>

این دستنویس، با تصریحی که نفیسی در ابتدای رونوشت خود داشته، متعلق به خاندان ملک‌الکلامی بوده و از «مجدی» (عبدالحمید) (د. ۱۳۰۵ش) به فرزندش «عبدالحمید»

۱. برای نمونه، رک: فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۵۸۳، شامل ارجاع به ده‌ها دستنویس.

۲. نیز رک: فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، ص ۴۲۴؛ «خطوط نویافته از معین‌الدین اسفزاری»، ص ۴۷.

۳. اختتام الأوقاف فی المخطوطات، صص ۶۱-۶۴.

۴. لغت فرس، اقبال، ص یه. صادقی اعلام کرده که رونوشت سعید نفیسی از دستنویس ملک‌الکلامی «اکنون به شماره ۵۵۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگهداری می‌شود» («لغت فرس»، ص ۵۷۹). اما این مطلب را باید اصلاح کرد، زیرا دستنویس ۵۵۳۲ کتابخانه مرکزی که رونوشتی از یک نسخه لغت فرس به خط نفیسی است، چیزی نیست جز رونوشتی که او از روی نسخه موسوی فراهانی - کتابت‌شده و فراهم‌آمده از روی لغت فرس مجموعه سفینه تبری - برای خود تهیه کرده، و این مطلب را به تفصیل در انتهای رونوشت شرح داده و در پایان نیز سال ۱۲۹۷ش را به عنوان سال اتمام استنساخ خود ثبت نموده است (لغت فرس، دستنویس ۵۵۳۲ کتابخانه مرکزی، ص ۹۳).



رسیده بوده است.<sup>۱</sup> به‌گواهی صادقی «این نسخه بعدها به تصرف صادق کیا درآمد و بعد از مرگ او که نسخه‌های خطی او بین کتابخانه ملی و مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی تقسیم شد از کتابخانه او بیرون رفت»<sup>۲</sup>.

دستنویس ملک‌الکلامی - که به‌واسطه شهرت آن در چاپ اقبال به همین نام بیشتر شناخته می‌شود - به‌قراری که پس از این اشاره خواهد شد، اینک در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به‌شماره ۱۱۴۸۹ محفوظ است و دو تصویر از آن اینک در اختیار نگارنده وجود دارد. یکی تصویری که حوالی ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ به لطف دوست دانشمند، جناب مجید غلامی جلیسه به دست آمده، و دیگری نسخه دیجیتال که در کتابخانه مرکزی دانشگاه از اصل دستنویس تهیه شده و مبنای چاپ حاضر قرار گرفته است. دستنویس دانشگاه تهران (ملک‌الکلامی سابق) ۹۵ برگ (به‌احتساب چاپ عکسی حاضر: ۹۳ برگ) دارد و قطع آن، ۱۷ × ۱۱/۵ سانتیمتر است. کاتب دستنویس در انتهای آن چنین رقم زده است: «قد وقع الفراغ عن تسويد هذه النسخة اللطيفة المرغوبة بيد [كذا] عبد [كذا] الضعيف محمد البدخشي في أواخر شهر مبارك [كذا] الشوال من سنة سبع و سبعين و ثمانماية تم»<sup>۳</sup>.

اگرچه نام «محمد» و نسبت «بدخشی» به‌تنهایی برای شناسایی آثار احتمالی دیگر یک کاتب کافی نیست، دست‌کم درباره کاتبانی که با این نام شناخته شده‌اند می‌توان اشاراتی داشت. در نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری یعنی زمانی نزدیک به عهد کتابت دستنویس لغت فرس دانشگاه تهران، یکی از کاتبان نسبتاً پرکار را سراغ داریم که چند اثر

۱. درباره عبدالمجید کردستانی مجلدی ملقب به ملک‌الکلام (که فرزند او نسبت خانوادگی «ملک‌الکلامی» یافته)، برای نمونه، رک: وفیات معاصرین، دستنویس اصل به‌خط قزوینی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲-۵۴۰۱، فریم ۱۱۸ از فایل اسکن‌شده؛ یادداشت‌های قزوینی، ج ۸، ص ۲۳۱.

۲. «لغت فرس»، صص ۵۷۸-۵۷۹. نگارنده دقیقاً به یاد دارد که گروهی با تجهیزات تصویربرداری دیجیتالی، در اوایل دهه هشتاد خورشیدی، با اجازه رئیس وقت بخش خطی کتابخانه مجلس، استاد عبدالحسین حائری، دستنویس‌ها و منابعی را در آن کتابخانه تصویربرداری می‌کردند. ظاهراً مقارن همان زمان، این دستنویس برای فروش به کتابخانه مجلس عرضه می‌شود و مدتی در آنجا به امانت می‌ماند، و به توصیه برخی، همان گروه تصویربردار، فایل دیجیتالی از آن تهیه می‌کنند که دست به دست می‌گردد و چنانکه اشاره خواهد شد، یک کپی دیجیتالی نیز از آن در اختیار نگارنده قرار دارد.

۳. نیز رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲۱، صص ۶۱۴-۶۱۵. بخش عنوان اثر و مشخصات پدیدآور که در این فهرست «لغه فرس از: ناشناخته» آمده بایستی تکمیل شود.

فارسی را کتابت کرده است. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد که شاید اغلب آن‌ها متعلق به یک نفر باشد:

- دستنویس خمسة نظامی، کتابخانه دیوان هند (انتقال یافته به «کتابخانه بریتانیا»)، شماره ردیف ۹۷۲ فهرست و شماره ثبت ۴۰۲، مورخ ۲۱ محرم ۸۹۴ق به خط «مولانا حاجی محمد الدرستاقی البدخشی»<sup>۱</sup>.

- دستنویس انیس الوحده و جلیس الخلوة از گلستانه، کتابخانه برلین شماره orient.Oct.2990، به خط «محمد البدخشی الحسینی» مورخ ۸۹۶ق<sup>۲</sup>.

- دستنویس کتاب قرّة العین<sup>۳</sup>، کتابخانه ایاصوفیا شماره ۴۱۶۳، به خط «محمد الحسینی البدخشانی» مورخ ۸۹۷ق<sup>۴</sup>.

- دستنویس بهارستان جامی، کتابخانه ایاصوفیا شماره ۳۸۱۱، مورخ ۸۹۹ق، کتابت در قسطنطنیه<sup>۵</sup>.

- دستنویس دیوان ثانی از جامی، کتابخانه بایزید، شماره ۵۷۱۴، به خط «محمد الحسینی البدخشانی»، مورخ ۸۹۹ق، کتابت در «دارالسلطنة قسطنطنیه»<sup>۶</sup>.

1. *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the Indian Office*, vol. 1, pp. 595- 597.

2. *Persische Handschriften*, pp. 61- 62;

فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۸۵؛ بیاض سفر، ص ۴۵۲؛ «انیس الوحده و جلیس الخلوة»، ص ۶۸. چنین است رقم کتاب: «قد وقع الفراغ من تحرير هذا الكتاب في شهر سنة ست و تسعين و ثمانمائة على يد الفقير الحقير محمد البدخشي الحسینی عفی عنه سنة ۸۹۶». این دستنویس در ۱۹۳۰م برای کتابخانه مزبور خریداری شده است.

۳. درباره این اثر، به مقدمه مصححان آن که در سال ۱۳۹۷ چاپی جدید را بر اساس چند دستنویس کهن این متن عرضه کردند، مراجعه شود (قرّة العین، صص بیست و نه - سی و پنج). میرافضلی زمان نگارش اثر و نیز مهدی‌الیه آن را که «کریم خراسان» لقب داشته، شناسایی کرده و نشان داده است که او همان «تاج‌الدین محمود بن محمد بن عبدالکریم»، از بزرگان خراسان و ساکن ماوراءالنهر است که در آنجا به ریاست دیوان استیفا رسیده و هم قرّة العین و لمعة السراج (تحریر مشهور بختیارنامه) به او تقدیم شده و هم در دواوین رشیدالدین وطواط و سوزنی سمرقندی ستایش او موجود است («کریم خراسان کیست؟»، صص ۱۰-۱۱).

۴. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، ص ۵۳۰؛ قرّة العین، صص پنجاه و دو - پنجاه و سه.

۵. همان، ص ۴۴۵. ۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، صص ۳۸۲-۳۸۳.

- مجموعه شماره ۱۶۶۳ کتابخانه ایاصوفیا، مشتمل بر کتاب الإرشاد قلانسی و چند بخش دیگر، به خط «محمد البدخشانی» که کتابت اثر قلانسی در این مجموعه در ظهر پنجشنبه‌ای در محرم سال ۹۰۰ق در «دارالسلطنة قسطنطنیه» پایان یافته است.<sup>۱</sup>

- دستنویس دیوان سیف فرغانی، کتابخانه طوپقای سرای، شماره ۹۸۴ روان کوشکو، به خط «محمد البدخشی الحسینی» مورخ ۹۰۴ق.<sup>۲</sup>

- دستنویس کتاب نه‌ایة المسئول فی روایة الرسول از ابرقونی<sup>۳</sup>، کتابخانه ایاصوفیا شماره ۳۵۱۰، به خط «محمد البدخشی الحسینی»، که از کتابت آن در دهه نخست ربیع‌الاول ۹۰۵ق فراغت یافته است.<sup>۴</sup>

همچنین تدوین منتخبی از مثنوی معنوی، به فردی به نام «محمد بن محمد حسینی بدخشی» انتساب یافته که ظاهراً دستنویس شماره ۱۶۶۳ کتابخانه ایاصوفیا (مجموعه‌ای که در بالا معرفی شد و کتاب الإرشاد قلانسی را در بر داشت) همان نسخه اصل اثر مورخ ۸۹۹ق است<sup>۵</sup> و دستنویس بی‌تاریخ ولی قدیم دیگری هم از آن در مجموعه «ملحق حالت‌افندی» شماره ۲۴ گزارش شده است.<sup>۶</sup> همچنین منتخب منطق الطیر عطار در شانزده مقاله از او باقی است که دستنویس اصل آن مورخ ۸۹۸ق، کتابت شده در قسطنطنیه، به شماره ۳۶۷۸ در کتابخانه فاتح محفوظ است.<sup>۷</sup> دو عنوان در انتخاب خمسة نظامی نیز به او منسوب است، یکی خلاصة الخمسة، دست‌کم دارای یک دستنویس در کتابخانه فاتح، شماره ۳۷۴۲

۱. همان، صص ۵۱-۵۳. نسخه اساس تصحیح نوشاهی از متن مورد گفتگو، همین دستنویس بوده است (در این باره، و اینکه مطالب کتاب اصلی قلانسی در دستنویس ایاصوفیا به دست بدخشی یا فرد دیگری تغییر کرده و از صورت اصلی اثر خارج شده، رک: «نسخه‌ای هندی از ارشاد قلانسی در ایران»، صص ۲۰۳-۲۰۵).

۲. دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی، صص سه-هفت؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳. بخشی از این اثر به تصحیح دکتر محمدجعفر باحقی منتشر شده است. مصحح این دستنویس را می‌شناخته و از آن سخن گفته است (نه‌ایة المسئول فی روایة الرسول، ص ۹).

۴. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، صص ۳۸۵-۳۸۶.

۵. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه حالت‌افندی استانبول، صص ۲۵-۲۶.

۶. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه فاتح، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۵. همان، ص ۵۳.

به خط پیرحسین کاتب<sup>۱</sup>، و دیگری اختیارات الخمسة که دستنویسی از آن به شماره ۳۸۴ در مجموعه «قاضی زاده محمد افندی» نشان داده شده است<sup>۲</sup>. یعنی آیا ممکن است «مولانا حاجی محمد درستانی بدخشی» که دستنویس مورخ ۲۱ محرم ۸۹۴ق از خمسة نظامی (رک: سطور پیشین) را کتابت کرده بود، همین فرد بوده باشد. اگر چنین باشد، مراحل تدوین این منتخبات از مشورهای نظامی توسط بدخشی روشن تر خواهد بود<sup>۳</sup>. رساله‌ای کوتاه در تصوف از «امیر سید محمد بدخشی» در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۷۴۹۲ موجود است که در ۸۵۵ق استنساخ شده<sup>۴</sup> و با این تاریخ قدیم برای کتابت این رساله، بعید است بدخشی کاتب که در دستگاه عثمانی فعالیت داشته با او یکی بوده باشد<sup>۵</sup>.

اهمیت بازایی اصل این دستنویس در دوران ما را باید به این صورت شرح داد که

۱. همان، صص ۱۸۲-۱۸۳.

۲. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه قاضی زاده محمد افندی استانبول، صص ۴۴-۴۵؛ فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه حالت افندی استانبول، ص ۲۵، پانویس (این پانویس در واقع یکی از پراطلاع‌ترین مطالبی است که در نوع خود درباره «محمد بدخشی» و فعالیت‌های او در استانبول نوشته شده است). «محمد بن محمد حسینی بدخشی» منتخبی از حیوة الحیوان (عربی) را هم که آن را به سلطان بایزید بن محمدخان (۸۸۶-۹۱۸ق) تقدیم کرده در آثار خود دارد که نسخه اصل آن را به دستخط او در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۴۳۰۳ می‌یابیم (فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، ص ۵۶۶). در فهرست اخیر این فرد فرزند «محمد بدخشی» معرفی شده است. نیز حلیة الأبرار و شرح الأخیار فی تلخیص الدعوات للزوی او دستنویسی در مجموعه رئیس الکتاب به شماره ۱۰۸ دارد (فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه حالت افندی استانبول، ص ۲۵، پانویس).

۳. برای آگاهی از چند دستنویس دیگر از انتخاب خمسة نظامی که تدوین آن‌ها به همین بدخشی انتساب یافته، رک: سی‌دی شماره ۳۴الف (ردیف ۴۷۹) از مرکز میکروفیلم نور، تهیه شده از دستنویس کتابخانه آصفیة حیدرآباد.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۴۴، صص ۳۷۷-۳۷۸. پدیدآور این رساله، از سادات است که در این اثر از خود به محمد الکاظمی الصادقی الباقری السجادی الحسینی العلوی تعبیر کرده است.

۵. لازم به یادآوری است که دو نفر دیگر از رجال سده نهم و دهم هجری را با نام محمد بدخشی می‌شناسیم که نباید کاتب دستنویس‌های پیش گفته باشند. یکی سراینده معروف در عهد تیموری در شرق ایران (درباره او، رک: لطایف‌نامه، ص ۱۳۲، و ص ۵۱۱، مشتمل بر منابع دارای شرح احوال او)؛ و دیگری شیخ صوفی حنفی زاهد که تارک دنیا بوده و به عرفان ابن عربی تمایل داشته، و در نهایت در ۹۲۲ق یا اوایل ۹۲۳ق در دمشق درگذشته و پایین پای ابن عربی دفن شده است (درباره او، رک: الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، صص ۳۱۳-۳۱۴؛ الکوکب السائرة بأعیان المنة العاشرة، ج ۱، صص ۸۹-۹۰). دستنویسی از یک ترجمه تخمیس قصبیة برده نیز از شاه محمد قدسی بدخشی حسینی در کتابخانه مرعشی به شماره ۶۷۰ موجود است که باید درباره پدیدآور آن تحقیق شود (رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۲، ص ۲۶۵).

دستنویسی که سعید نفیسی آخرین فردی بوده که آن را از نزدیک دیده و از محتویات آن رونوشتی برداشته، سرانجام پس از چند دهه یافت شده و اکنون در اختیار قرار می‌گیرد. دستنویس حاضر خوشبختانه توسط آخرین مالک آن که عجلتاً نمی‌دانیم کیست، به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فروخته یا اهدا شده و اکنون به شماره ۱۱۴۸۹ در مخزن نسخه‌های خطی محفوظ است.<sup>۱</sup> استاد ایرج افشار - که در سالیان پایانی حیات خود برای ارزش‌گذاری نسخه‌های عرضه‌شده برای فروش دوباره به یاری دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی آمده بود - نخستین بار از انتقال این دستنویس به کتابخانه مرکزی سخن گفته است: «نسخه قدیمی دیگری از لغت فرس: به تازگی نسخه‌ای از لغت فرس اسدی طوسی دیدم به خط نستعلیق که برای فروش عرضه شده بود»، و در ادامه یادداشت خود اشاره کرد که دستنویس به دانشگاه تهران رسیده و به شماره ۱۱۴۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه ثبت شده است. تاریخ چاپ یادداشت او، مهر و آبان ۱۳۸۴ است<sup>۲</sup>، و لابد دستنویس چندی پیش از این تاریخ برای دانشگاه خریداری شده است. نکته حائز اهمیت در تاریخچه دستنویس ((ه)) آن است که سه یادداشت مربوط به عهد قاجار (یکی از ۱۲۸۸ ق متعلق به «عبدالله بن محمد بن جعفر»)، در صفحه پایانی رقم‌دار نسخه ثبت شده که بخشی از انتقال‌ها و دست به دست شدن‌های دستنویس را در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری روشن می‌کند. متأخرترین یادداشت که مهر نویسنده آن نیز عمداً مخدوش شده، به نستعلیق خوش، به این صورت است: «این کتاب را مرحوم میرزا کاظم رحمة الله علیه که به دیانت و محاسن اخلاق موصوف و از وزیرزادگان کردستان بود به این بنده اهدا نموده است، ۶ ذی‌قعدة و ۲۳ میزان سنه ۱۳۳۳ در طهران نوشته شد».

### و: دستنویس کتابخانه ملی (همایی سابق)

این دستنویس بی‌تاریخ و شاید سده دهم یا یازدهمی، که ظاهراً هیچ یک از محققان دهه‌های پیشین از وجود آن در کتابخانه جلال‌الدین همایی آگاهی نداشته‌اند، نخستین بار در دهه نود

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲۱، صص ۶۱۴-۶۱۵. اشکالی که در این فهرست در معرفی این دستنویس هست آن است که پلیدآور ناشناخته مانده و هیچ کوششی در مقایسه اثر با تحریرها و چاپ‌های لغت فرس صورت نگرفته است.

۲. «تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی - ۴۸»، صص ۱۲۸-۱۳۰.

خورشیدی شناسایی شد. با استناد به نوشته سایت کتابخانه ملی، که خریدار دستنویس در کنار سایر دستنویس‌های مجموعه همایی بوده، انتقال آن به کتابخانه در اول آبان ۱۳۹۰ و از طریق خریداری از بانو ماهدخت همایی (به قیمت ۲۵۰ هزار تومان) صورت گرفته و اکنون به شماره ۲۰۳۸۸ در بخش نسخه‌های خطی آن کتابخانه نگهداری می‌شود. در ابتدا و انتهای دستنویس، تملک عمومی همایی، «عنقا بن هما» مورخ ۱۲۹۲ق و مهر بیضی او با سجع «ملک الشعرا-۱۲۹۲» دیده می‌شود و پیداست که احتمالاً دستنویس به میراث به همایی رسیده بوده است، نه از طریق خرید و بیع. یادداشت استاد همایی نیز -که عین آن در مقدمه صادقی نقل شده و از تکرار آن پرهیز می‌شود- همین مطلب را تأیید می‌کند.

همایی معتقد بوده که دستنویسش با دستنویس «بسیار نفیس آقای حاجی محمد آقا نخجوانی تبریزی... مورخ ۷۶۶ق بسیار مطابق و نزدیک به یکدیگر است و محقق شد که این نسخه اصلی معتمد و معتبر داشته است»<sup>۱</sup>. اما صادقی بر آن است که این دستنویس با دستنویس‌های ملک الکلامی و چند دستنویس دیگر هم تبار است و آن‌ها را در گروه سوم از دسته‌بندی خود قرار می‌دهد.

\*\*\*

با ترسیم تبار دستنویس‌های معتبر کنونی از لغت فرس، و نیز کشف دستنویس‌های احتمالی آینده، پس از این می‌توان گام‌های دیگری در مطالعات مربوط به واژه‌شناسی و شعرشناسی فارسی برداشت<sup>۲</sup>.

۱. رک: چاپ عکسی حاضر، ص ۶۴۴.

۲. در انتها شاید مناسب باشد چند نکته دیگر در باب کتابشناسی دستنویس‌های لغت فرس بیان شود. درباره یک دستنویس از لغت فرس که در گزارشی غیرمستند از رکن‌الدین همایون قرخ از آن به عنوان دستنویسی کتابت‌شده برای خزانه ابوالفتح غیاث‌الدین کیخسرو (سوم) بن قلیچ ارسلان (حک. ۶۶۳-۶۸۱ق)، از سلاجقه مشهور روم، یاد شده، ظاهراً خطایی روی داده است. او در این باره نوشته: «پادشاهان سلجوقی روم نیز خود کتابخانه‌های اختصاصی قابل توجه داشته‌اند... و بسیاری از این کتاب‌ها موجود است که مهر کتابخانه پادشاهان سلجوقی رم [کذا] را دارد و در کتابخانه‌های معروف ترکیه هنوز از این گونه نسخه‌ها دیده می‌شود و می‌توان برای نمونه از کتاب فرس [کذا] اسدی و تاریخ ابن بی‌بی یاد کرد که برای کتابخانه ابوالفتح کیخسرو قلیچ ارسلان نوشته شده است» (تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۴۹). به احتمال قوی، او ظاهراً مطالبی درباره دستنویس تبریز (نخجوانی) خوانده یا شنیده بوده و بعد آن را با مطلب دیگری خلط کرده است. زیرا دستنویس تبریز، چنانکه گذشت، با اثری از حیث تقلیسی آغاز می‌شود که برخی

→ کارهایش را به سلاجقه روم تقدیم کرده، و همین مطلب شاید همایون قرخ را به اشتباه انداخته باشد. البته، این امکان از اساس منتهی نیست که دستویس‌هایی یافت شود که برای دستگاه کبخسرو سوم کتابت شده باشد، چنانکه دستویس الأوامر العلاتیة اثر ابن‌یوی، محفوظ در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۲۹۸۵ (مبنای چاپ عکسی و چاپ حرفی)، در نیمه دوم سده هفتم هجری به رسم خزانه همو استنساخ شده است. اما تاکنون دستویسی از لغت فرس با مشخصات بیان‌شده توسط همایون قرخ در جایی معرفی نشده است.

لازم است درباره دستویسی از اثری ناشناس که به‌ضرورت لغت فرس نامیده شده و فعلاً مشخص نیست چه کتابی است، در آینده بررسی‌ای صورت گیرد. آنچه هست، به‌واسطه تاریخ کهن کتابت تنها دستویس این اثر (سده نهم هجری) ظاهراً باید نگارش حائز اهمیت باشد. دستویس مزبور در کتابخانه مغنیا (مانیسای کنونی) به شماره ۲۸۵۵ نگهداری می‌شود و ۱۱۶ برگ  $۱۱۰ \times ۱۹۰$  میلیمتری دارد که در هر صفحه ۱۰ سطر کتابت شده است. در توصیف آغاز و انجام اثر در فهرست کتابخانه مزبور آمده است: «آغاز: ... عبارات تعلیم داد صلوات الله علیه و علی آله الطیبین الامجاد. بعد، این رساله‌ایست در لغات فرسی که ابیات فردوسی و غیره و عبارات متقدّمان مشتمل بر آنست...»؛ «انجام: لثبه مردم فر به را گویند چنانک عماره گوید: اگر چه شیخ بخیلست زن جوانمردست...». نکته مهم، این توصیف فهرستگار است که شاید کمکی به محققان در یافتن اثر باشد: «مؤلف کتاب را شمس‌الدین زکریای بغدادی به تألیف کتاب واداشته است» (فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مغنیا، ص ۱۵۳). همچنین باید درباره دستویس شماره ۵۱۳۳۶ کتابخانه آستان قدس رضوی که در فهرست رایانه‌ای آن مرکز با عنوان لغت فرس به اختصار معرفی شده و تصریح گردیده که به‌خط نستعلیق سده دوازدهم هجری است، بررسی‌ای صورت گیرد.

همچنین باید به دستویسی ظاهراً از منتخبی از لغت فرس اشاره کرد که در یک مجموعه کمتر بررسی شده متعلق به دستگاه اسکندر میرزا بن عمر شیخ تیموری متعلق به اوایل سده نهم هجری، محفوظ در موزه کالوست گلبنکیان در لیبون پرتغال وجود دارد و تاکنون در مطالعات مربوط به کتاب اسدی، بررسی نشده است (درباره این دستویس، رک: «نسخه‌ای شاهانه کتابت شده برای اسکندر بن عمر شیخ: گلچین محفوظ در موزه کالوست گلبنکیان، کتابخانه دانشگاه استانبول و مؤسسه تاریخ پزشکی ولکام»، ص ۸۴). بعید نیست این انتخاب با انتخاب قدیم دیگری که از این اثر در کتابخانه کوپرلی به شماره ۱۵۸۹ (در یک مجموعه بسیار متنوع) موجود است و صادقی آن را جداگانه منتشر کرده (رک: خلاصه لغت فرس اسدی طوسی، در منابع)، ارتباط داشته باشد.